

۳ افق

مصائب ترامپ  
کارشکنی تندروها در آمریکا

۷ کوچه

در جست‌وجوی گنج خیالی

گزارش سازندگی از حفاری‌های  
غیرقانونی در اماکن باستانی برای  
یافتن طلاهای پنهان‌شده پهلوی‌ها

۸ حافظه

فقیه مردم‌دار  
درباره آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر

## خواب بود یا پیش‌بینی؟

روایت محسن هاشمی  
از زمانی که آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی  
خواب مذاکره با آمریکا را دیده بود

۲۲ سال پیش، درست در سوم بهمن ۱۳۸۲ پدرم، آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی صبح جمعه‌ای از خواب بیدار شد و نوشت: «خواب عجیبی دیدم...»؛ خوابی که امروز اگر کسی مشابهش را ببیند باید با خودکار قرمز بنویسد: «مغایر با منافع ملی!» در عالم رویا، آیت‌الله وسط یک هیات چهار نفره بود که قرار بود بروند با آمریکا مذاکره کنند؛ انگار نه انگار که داریم از سال ۱۳۸۲ حرف می‌زنیم! آقای خانمی هم بود، دکتر روحانی هم حضور داشت. بین خانمی و خودش بحث بود که بالاخره کی رئیس هیات باشد. وارد مکانی شدند که بیشتر شبیه یک کوچه از کوچه‌های محله جماران بود تا محل مذاکره ولی انگار مردم دنیا خبر داشتند که دولت خانمی دوست دارد با آمریکا مذاکره کند و آمده بودند استقبال؛ از سیاه‌سفید گرفته تا عرب‌وعجم با شعارهای بلند و صدای تشویق. گروهی هم از راه رسیدند و فریاد زدند: «مرحبا، مرحبا!» آیت‌الله وارد سالن اصلی شد. با یکی رویه‌رو شد که او را جورج بوش، رئیس‌جمهور آمریکا معرفی کردند. همه چیز خوب پیش می‌رفت تا اینکه بوش افتاد زمین و دهانش باز ماند. او را بردند، یکی دیگر جایش نشست و در همین لحظه بود که آیت‌الله از خواب پرید و رفت برای نماز صبح! حالا بعد از دو دهه، عده‌ای همان خواب را می‌توانند جرم بدانند؛ گویی اگر هاشمی در خوابش هم فکر گفت‌وگو با آمریکا کرده باید از رؤیایش هم توبه کند. اما واقعیت این است که در آن روزگار، کسی که پیش از همه فهمیده بود، دنیای سیاست فقط شعار نیست و مذاکره هم بخشی از حکمرانی است، نه تنها خوابش که پیداری‌اش هم از بسیاری جلوتر بود. حالا بعد از این خواب، بعضی‌ها هنوز هم دارند تلاش می‌کنند، خاطره آن همه عقلانیت و آینده‌نگری را با نیش و کنایه تخریب کنند؛ آن هم فقط به جرم اینکه یک روزی، کسی مثل هاشمی فکر کرده بود که شاید بشود با آمریکا حرف زد، به جای اینکه فقط داد زد! انگار نه انگار که او زودتر از همه فهمیده بود، دنیا جای گفت‌وگو است، نه فقط جدل. خواب او هم شاید سندی باشد برای روزی که تاریخ دوباره ورق بخورد؛ در اینجا تصویر دست‌نوشته آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی مربوط به خاطره روز جمعه ۳ بهمن ۱۳۸۲ که قرار است با مجموعه خاطرات این سال در آینده نزدیک منتشر شود، تقدیم علاقه‌مندان می‌شود:

### ◀ متن دست‌نویس آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی

جمعه ۳ بهمن ۱۳۸۲: خبر قطع ارتباط کاوشگر مریخ (اسپریت) آب سردی بر سر کاخ سفید ریخت که از آن برای تبلیغات ریاست‌جمهوری محوری ساخته بودند. از دیروز اسپریت عکس و مطلب مخابره نمی‌کند و فقط علائم بی‌مفهومی در جواب می‌فرستد. حداقل ۳ ماه باید عکس، تصویر و مطالب مخابره می‌کرد و البته اگر باتری‌های آن که با نور خورشید شارژ می‌شود و در اثر عوض شدن زاویه تابش خورشید یا گردوغبار بیشتر کار کنند. خبری هم داده‌اند که وجود آب در مریخ اثبات شده.

اظهارات البرادعی در مورد همکاری ایران با آژانس به‌عنوان یک هشدار به ایران تفسیر شده. او گفته اگر ایران سطح همکاری‌اش را بالا نبرد ممکن است، فاجعه‌ای رخ دهد و سه کشور فرانسه، آلمان و انگلیس هم قبلاً فشار زیادی برای گرفتن امتیاز در جهت حذف برنامه چرخه سوخت داشته‌اند و حتی وزیر خارجه انگلیس در ملاقات با آقای خانمی در سوئیس بر آن تأکید داشت، با اینکه در این مرحله ایران از آنها طلبکار است که باید به قول‌های خود در جهت بهره‌گیری ایران از منافع صلح‌آمیز هسته‌ای کمک کنند.

امروز صبح با خواب عجیبی بیدار شدم: در عالم رویا قرار بود در رأس هیاتی چهارنفره که دکتر روحانی هم جزو آن بود با آمریکا مذاکره کنیم. آقای خانمی هم جزو هیات بود. من ترجیح می‌دادم که چون ایشان رئیس‌جمهور است، رئیس هیات باشد و ایشان می‌خواست چون من بزرگ‌ترم رئیس هیات باشم. بدون اینکه این مساله را حل کرده باشیم به محوطه‌ای رسیدم که مثل جماران کوچه پس‌کوچه‌ای بود. از ما استقبال گرمی نمودند. وارد حیاط بزرگی شدیم، مجموعه‌ای از نژادهای مختلف مردم آنجا بودند و با صدای بلند و شعارگونه از ما استقبال کردند و گروهی عرب هم بودند که با شعار «مرحبا» خوش آمد می‌گفتند. اینجا آقای خانمی همراه نبود نزدیک سالن اصلی که رسیدیم، شخصی را به‌عنوان بوش معرفی کردند. تشریفاتی هم داشت و با من معانقه کرد. با هم راه افتادیم، کنار پله و ستونی رسیدیم آنجا حالش به هم خورد و به زمین نشست و دهانش بازماند. لحظه‌ای بعد او را بردند و شخص دیگری به جای او نشست. در این لحظه از خواب بیدار شدم و برای نماز صبح بلند شدم. یک خانم عضو پارلمان انگلیس از حزب لیبرال دموکرات گفته اگر من هم جای مردم مظلوم فلسطین بودم به عملیات شهادت طلبانه دست می‌زدم.

# چراغ سبز ایران به سرمایه‌گذاران آمریکایی



رئیس‌جمهور خبر داد:  
رهبر انقلاب با سرمایه‌گذاری  
آمریکایی‌ها در کشور  
هیچ‌گونه مخالفتی ندارند  
ایران محل توطئه نیست  
اما سرمایه‌گذاران می‌توانند  
به کشور بیایند و  
سرمایه‌گذاری کنند



روز گذشته پزشک‌یان با  
صراحتی کم‌سابقه، دریچه‌ای  
به دیدگاه سطوح عالی نظام  
باز کرد: «من هر هفته بارها

و بارها خدمت مقام معظم رهبری هستم. ایشان با سرمایه‌گذار آمریکایی در کشور هیچ‌گونه مخالفتی ندارند.» این جمله، بیش از آنکه یک بیانیه سیاسی صرف باشد، کدی است که می‌تواند قفل‌های ذهنی بسیاری را در پایتخت‌های غربی بگشاید. اما این چراغ سبز، بی‌قید و شرط نیست. پزشک‌یان بلافاصله خط قرمز را مشخص می‌کنند: «سرمایه‌گذار بیاید و سرمایه‌گذاری کند. ما با توطئه کردن، براندازی و سیاست‌های غلطی که آن‌ها می‌کنند [مخالِفیم]... ایران محلی نیست که یک عده بخواهند بیایند و توطئه کنند... اطلاعات بگیرند و بعد آدم‌هایی که در موردشان اطلاعات گرفتند را ترور کنند.» این مرزبندی، نشان‌دهنده تفکیک میان فعالیت اقتصادی مشروع و نگرانی‌های امنیتی ریشه‌دار است.

همزمان، او بر موضع دیرینه ایران در باب مذاکره تأکید می‌کند، موضعی که بازتاب‌دهنده همان بی‌اعتمادی عمیق است: «مقام معظم رهبری فرمودند ما آماده مذاکره هستیم اما نه به صورت مستقیم؛ برای اینکه اعتماد نداریم.» منطق این احتیاط روشن است: چگونه می‌توان با دستی که گلولی اقتصاد را می‌فشارد (ترحم‌ها)، دست دوستی داد؟ پیام تهران این است: گشایش در گفت‌وگو، نیازمند پذیرش پیش‌شرط‌هایی برای اعتمادسازی است و رفع موانع اقتصادی، کلید اصلی است.

این موضع‌گیری‌ها در خلأ رخ نمی‌دهد. پشتوانه آن، ظرفیت‌های عظیم اقتصادی ایران است که تحلیل‌گران مختلف بر آن انگشت تأکید می‌گذارند. یک روز پیش عباس عراقچی، وزیر امورخارجه در یادداشتی برای واشنگتن‌پست، تصور رایج در غرب از ایران بسته را به چالش می‌کشد و تأکید می‌کند که «دروازه‌های ایران به‌طور کامل برای حضور فعال شرکت‌ها و کسب‌وکارهای بین‌المللی باز است.» او مانع اصلی را نه در تهران بلکه در واشنگتن می‌بیند: «محدودیت‌ها از سوی دولت آمریکا و موانع تحمیل شده توسط کنگره است که شرکت‌های آمریکایی را از ورود به بازار ایران، بازاری با فرصت‌هایی در مقیاس‌های تریلیون دلاری بازداشته است.»

حسین مرعشی، دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران، این پتانسیل را کمی‌تر می‌کند. او در سرمقاله روزنامه سازندگی ضمن تأکید بر ضرورت مذاکرات واقع‌بینانه (چه مستقیم و چه غیرمستقیم) برای رسیدن به توافقی ملموس به «پروژه‌های بزرگ اقتصادی و جذب سرمایه‌گذاری‌های وسیع در جغرافیا و سرزمین ایران» اشاره می‌کند که می‌تواند «منافع متقابل هر دو کشور ایران و آمریکا را تأمین کند.»

| ادامه در صفحه ۲



## گزارش

### گامی مهم

## پس از بررسی‌های کمیسیون مشترک

بررسی سرنوشت پالرمو و CFT در مجمع تشخیص مصلحت نظام هفته دیگر انجام می‌شود

موضوع پیوستن ایران به کنوانسیون‌های بین‌المللی مقابله با جرائم سازمان‌یافته فراملی (پالرمو) و مقابله با تامین مالی تروریسم (CFT) که از مدت‌ها پیش به یکی از محورهای اصلی اختلاف‌نظر در فضای سیاسی و کارشناسی کشور تبدیل شده است، بار دیگر در آستانه تصمیم‌گیری قرار گرفته است. حسن دهنوی، سخنگوی مجمع تشخیص مصلحت نظام، روز گذشته با انتشار یادداشتی در شبکه اجتماعی ایکس اعلام کرد: «اولین جلسه مجمع تشخیص مصلحت نظام در سال ۱۴۰۴ با موضوع بررسی پیوستن به کنوانسیون مقابله با تامین مالی تروریسم (CFT) و کنوانسیون پالرمو، چهارشنبه هفته آینده برگزار می‌شود». وی همچنین بر رویکرد مجمع مبنی بر «شنیدن همه نظرات کارشناسی و نهایتاً اتخاذ بهترین تصمیم در راستای مصلحت کشور و حفظ منافع ملی» تأکید کرد. این اعلام درحالی صورت می‌گیرد که پیش‌تر و در اواخر سال ۱۴۰۳ کمیسیون مشترک مجمع که مسئولیت بررسی کارشناسی این دو لایحه را بر عهده داشت، کار خود را به پایان رسانده بود. به گفته دهنوی در تاریخ ۲۸ اسفند ۱۴۰۳ پس از برگزاری بیش از ۵ جلسه با حضور کارشناسان، نمایندگان دولت، مجلس و شنیدن نظرات مخالفان و موافقان، این کمیسیون «این دو کنوانسیون را با تحفظ‌ها و حق شرط‌هایی پذیرفت که مهم‌ترین آنها این است، جمهوری اسلامی ایران این دو کنوانسیون را در چارچوب قوانین و مقررات داخلی خودش پذیرفته و عمل خواهد کرد». بنابراین، گزارش کمیسیون مشترک که حاوی پذیرش مشروط این کنوانسیون‌هاست اکنون به عنوان دستور کار در صحن علنی مجمع تشخیص مصلحت نظام مطرح خواهد شد تا اعضای مجمع تصمیم نهایی را در این خصوص اتخاذ کنند. اهمیت این تصمیم‌گیری پیش‌تر توسط هادی خانی، دبیر شورای عالی پیشگیری و مقابله با جرائم پولشویی و تامین مالی تروریسم نیز مورد تأکید قرار گرفته بود. وی تصویب این کنوانسیون‌ها را عاملی برای «عادی‌سازی تعاملات ایران با سایر کشورها» همچنین افزایش «هزینه‌های آمریکا برای اجرای تحریم‌های ظالمانه» دانسته بود.

## کانال سازندگی

معاون اول رئیس‌جمهور در نشست با نخبگان و فعالان سیاسی استان خراسان رضوی:

## وفاق یک‌طرفه به بن‌بست می‌خورد

معاون اول رئیس‌جمهور در نشست با نخبگان و فعالان سیاسی استان خراسان‌رضوی با اشاره به اهمیت کادرسازی و تربیت نیروهای جوان گفت: طرح بزرگ تربیت هزار نخبه جوان درحال انجام است. در این نشست که در سالن اجتماعات استانداری خراسان‌رضوی برگزار شد، بعد از آنکه نخبگان و فعالان سیاسی استان به بیان نظرات، انتقادات و پیشنهادات خود پرداختند، دکتر عارف گفت: آنچه که در عمل دیده و به یقین رسیده‌ام، این است که نخبگان و فعالان سیاسی استان خراسان‌رضوی درک و تحلیل بالایی نسبت به مسائل ملی داشته و شجاعت کم‌نظیری را در ارائه‌نظرانشان دارند. عارف با بیان اینکه در این جلسه، نظرات ارزشمندی درخصوص عملکرد دولت چهاردهم مطرح شده که باید به همه آنها احترام بگذاریم، گفت: در عین حال ما درباره اقداماتی که باید انجام می‌شده، می‌توانیم بحث کنیم و به یک وفاق برسیم و ببینیم که آیا شرایط برای آن اقدام مهیا بوده است یا خیر. وی در پاسخ به تفهدهایی که درخصوص رویکرد وفاق می‌شود، گفت: راهبرد درست آقای پزشکيان وفاق ملی بود، البته مشخص است که اگر وفاق یک‌طرفه باشد در نهایت به بن‌بست می‌خورد اما ما در مجموع احساس می‌کنیم که این رویکرد جایگاه خودش را پیدا می‌کند، همکاری‌هایی که با خارج از دولت داریم، قابل تقدیر است. وی در ادامه گفت: رهبر معظم انقلاب شرایط کشور را با دهه ۶۰ تشبیه کرده بودند، البته ما برای دولت، شرایطی بدتر از دهه ۶۰ را پیش‌بینی کرده بودیم اما به آنکه آمادگی داریم برای شرایط بدتر از آن دهه هم آماده شویم اما تلاش‌مان بر این بود که ذهنیت جنگ را از ذهن مردم بیرون کنیم. همچنین ما سعی کردیم، تصمیمی نگیریم که به ضرر جامعه باشد دو مرحله کالابریگ که در ماه‌های گذشته ارائه شد در این راستا بود.



## اصل التزام به قانون

محسنی‌اژهای، رئیس قوه قضائیه: التزام به قانون یک اصل اساسی است و بدون رعایت این اصل، تحقق عدالت ممکن نیست. بعضاً به من گفته می‌شد که در شرایط اضطرار قرار داریم و باید چنین اجازه‌ای داده شود؛ اما من چنین استدلال می‌کردم که وقتی یک قاضی تازه آموزش‌دیده هنوز صورت یک حکم را انشاء نکرده و با طرفین هیچ پرونده‌ای مواجه نشده، چطور می‌تواند یک‌مرتبه به مقام دادرسی نایل شود؟

## ادامه تیتیر یک

مرعشی پا را فراتر گذاشته و می‌گوید: «وجود پروژه‌های اقتصادی متعدد با صرفه اقتصادی بسیار بالا در ایران که ارزش آن‌ها به چند تریلیون دلار می‌رسد، می‌تواند به عنوان یک موتور محرک قدرتمند برای اقتصاد جهانی عمل کند... [و] حتی قادرند به رشد اقتصادی کشورهایی مانند آمریکا نیز کمک کنند.» محمدحسین خوشوقت، مدیر سایت فرارو و پسر آیت‌الله خوشوقت نیز با طرح پرسشی معنادار در تویتر (ایکس) به همین حجم عظیم پروژه‌های تعریف شده (نزدیک به هزار میلیارد دلار) و پلامانع بودن سرمایه‌گذاری آمریکایی‌ها اشاره می‌کند و ذهن‌ها را به سمت این فرصت بزرگ سوق می‌دهد.

## ترامپ، تجارت و فرصت تاریخی؟

همچنین سایت عصر ایران از زاویه‌ای دیگر به این معادله نگاه می‌کند و آن را با ذهنیت تجاری دونالد ترامپ پیوند می‌زند. سردبیر این سایت استدلال می‌کند که «بازار واقعاً بکر ایران یک فرصت تاریخی برای اقتصاد آمریکاست.» مثال‌های او روشن است: قراردادهای بونینگ که می‌تواند آن را از ایرباس پیش بپندازد، قراردادهای عظیم نفتی و پتروشیمی، نوسازی زیرساخت‌های آب و برق یا حتی استفاده از ظرفیت صنعت خودروی ایران برای تولید و صادرات منطقه‌ای. از ایسن منظر، یک توافق خوب، می‌تواند یک بازی برد-برد اقتصادی باشد. محمدی البته به مانع بزرگ دیگری نیز اشاره می‌کند: «کاسبان داخلی و خارجی تحریم» که منافعشان در تداوم تنش است و از هم‌اکنون تخریب مذاکرات را آغاز کرده‌اند. با این حال او خوش‌بین است که اراده نظام در عالی‌ترین سطوح و خواست اکثریت مردم برای مذاکره در کنار منافع اقتصادی که دولت آمریکا (حتی دولت ترامپ) می‌تواند در آن ببیند، این دور از گفت‌وگو‌ها را به «فرصتی تاریخی برای تاریخ‌سازی» بدل کند. اما مسیر دیپلماسی هرگز هموار نیست. روزنامه جوان، نزدیک به محافل اصولگرا، سناریوی احتمالی از داد و ستدهای احتمالی را ترسیم می‌کند: «ایران ممکن است کاهش سطح غنی‌سازی اورانیوم (تا حدی که نیازهای غیرنظامی را تأمین کند) و افزایش نظارت‌ها را بپذیرد اما در مقابل، انتظار «رفع کامل تحریم‌ها و ترک دشمنی‌های علنی در قالب حمایت از ایزویسیون» را دارد. این روزنامه تأکید می‌کند که موضوع توان موشکی و نفوذ منطقه‌ای ایران، خطوط قرمز غیرقابل مذاکره هستند و اصرار بر آن‌ها می‌تواند به بن‌بست مذاکرات بینجامد. با این حال در صورت حصول منافع اقتصادی ایران از طریق رفع تحریم‌ها، «بعید است» ایران با سرمایه‌گذاری یا تجارت شرکت‌های آمریکایی مخالفت کند.»

## بر سر دوره‌ای تاریخ

این تأکید بر سرمایه‌گذاری و پتانسیل اقتصادی، خاطرات دوران پس از توافق هسته‌ای (برجام) در دولت حسن روحانی را زنده می‌کند. آن دوره، هرچند کوتاه و پرفراز و نشیب، گواهی بود بر اینکه چگونه رفع تحریم‌ها و گشایش دیپلماتیک می‌تواند مسیر را برای رشد اقتصادی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی هموار کند. ایران در آن مقطع، گام‌های جدی به سمت تعامل اقتصادی با جهان برداشته بود و شرکت‌های بزرگ اروپایی و آسیایی در حال بررسی یا آغاز پروژه‌هایی در ایران بودند. اگرچه موانع داخلی و خارجی همچنان وجود داشت اما چشم‌انداز مثبتی از بهبود اقتصادی و ادغام مجدد ایران در اقتصاد



## ارزیابی عملکرد استانداران

اسکندر مومنی، وزیر کشور: تدوین ۳ شاخص برای ارزیابی عملکرد استانداران در نظر گرفته شده است. احیای واحدهای راکد»، «تکمیل پروژه‌های نیمه‌تمام» و «جذب سرمایه‌گذاری جدید» سه شاخص برای ارزیابی عملکرد استانداران است و شوراها و شهرداری‌ها نیز باید در این مسیر هم‌افزا باشند و با تبدیل این شاخص‌ها به معیارهای کمی، نقش خود را در تحقق آن ایفا کنند.



## خبر خوش رئیس مجلس

محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس: با مصوبه سران قوا ارزش واردات خودرو مجدداً به ۳ میلیارد دلار افزایش پیدا کرد. سوال این است که چرا مردم نمی‌توانند یک ماشین دست دوم با عمر ۵ ساله را بخرند؟ به طور مثال، با قیمت یک پراید، تویوتا سوار شوند بنابراین توجیه‌پذیر نیست که ۹ میلیارد دلار ارز به واردکننده قطعه بدهیم اما برای واردات خودرو بگوییم، ارز نداریم.

# چراغ سبز ایران به سرمایه‌گذاران آمریکایی

سرمایه‌گذاری کنند. لذا ما در برجام همه اینها را دیده بودیم. بعضی‌ها می‌گویند اصلاً برجام نگاه اقتصادی نداشت، اتفاقاً نگاه اقتصادی بود. بعضی‌ها می‌گویند برجام معطوف به تحریم بود، اتفاقاً ما یک فصل در برجام داریم که معطوف به انتفاع اقتصادی است. آن قسمت می‌گوید شما باید همه تحریم‌ها را بردارید و مهم این است که ما بتوانیم نفت بفروشیم و بتوانیم پولمان را به ایران بیاوریم. همچنین مهم این بود که کشتیرانی آزاد شود. گفتیم که باید این امکانات به ما داده شود. لذا تمام اینها در برجام دیده شده بود، حتی سرمایه‌گذاری آمریکا در برجام دیده شده بود؛ اما متأسفانه نگرش‌ها هم در داخل ایران، هم در داخل آمریکا و در جاهای دیگر طوری بود که این امکانات شکل نگرفت. پس به دلیل کم و کاست برجام نیست. نمی‌گویم برجام کاملاً یک برنامه بدون ایراد است، هر توافقی آن‌هم بین ۶ کشور بزرگ دنیا و یک کشوری که تحت تحریم شورای امنیت است، کاستی‌هایی ممکن است داشته باشد. اما ما نبودیم که از برجام خارج شدیم، این آمریکا بود که از برجام خارج شد. آن‌هایی که می‌گویند برجام ایراد داشت خب چرا آمریکا به برجام استناد نکرد، اگر برجام یک طرفه بود، آمریکا به یک جمله برجام استناد می‌کرد و از آن خارج می‌شد. آن وقتی که استناد کردند ۱۳ کشور در شورای امنیت علیه‌شان بودند لذا دوستان ما مقداری به واقعیت‌ها توجه کنند، بهتر است.»

به هر سو آن دوران فضای پسابرجام شاهد اشتیاقی چشمگیر برای تعامل با ایران بود. رفت‌وآمدهای دیپلماتیک در عالی‌ترین سطوح و با سرعتی کم‌سابقه آغاز شد. سفر رؤسای جمهور اتریش و چین به تهران، تنها نمونه‌هایی از این گشایش بودند. سفر شسی جین پینگ، رئیس‌جمهور چین پس از ۱۴ سال و در شرایط پرتنش منطقه‌ای، نشان‌دهنده عزم یکن برای بنای «مشارکت جامع راهبردی» با ایران بود که با امضای ۱۷ سند همکاری و هدف‌گذاری تجاری ۶۰۰ میلیارد دلاری در ۱۰ سال آینده عینیت یافت.

همزمان، سفر رئیس‌جمهور روحانی به ایتالیا و فرانسه، نخستین سفری یک رئیس‌جمهور ایران به اتحادیه اروپا پس از ۱۱ سال، نقطه عطف دیگری بود. در ایتالیا ۱۴ سند همکاری به ارزش تقریبی ۱۷ میلیارد یورو امضا شد و دیدار با پاپ فرانسیس پس از ۱۶ سال، ابعاد فرهنگی و بین‌المللی این تعامل را برجسته کرد. در فرانسه نیز امضای ۲۰ سند همکاری از جمله قرارداد تاریخی خرید ۱۱۸ فروند ایرباس (به ارزش تقریبی ۲۳ میلیارد یورو) سرمایه‌گذاری مشترک پژو-سیتروئن و از سرگیری خرید نفت توسط توتال، نشان از عزم جدی برای احیای روابط اقتصادی داشت.

این گشایش تنها به اقتصاد محدود نماند. سفر وزیر امور خارجه وقت، محمدجواد ظریف، به لندن پس از ۱۲ سال و مشارکت فعال ایران در گروه بین‌المللی سوریه نشان داد که جامعه جهانی نقش ایران را در حل بحران‌های منطقه‌ای به رسمیت شناخته است. با این حال، لغو تحریم‌ها تنها شرط لازم بود نه کافی. بازسازی کامل روابط اقتصادی و بانکی به ویژه به مؤسساتی که در گذشته به دلیل همکاری با ایران جریمه شده بودند، نیازمند ابتکار عمل و پیگیری مستمر از سوی ایران بود. از سرگیری صادرات نفت به اروپا و قراردادهای نوسازی ناوگان هوایی، گام‌های اولیه مهمی در این مسیر بودند که نویدبخش پایان انزوا و آغاز دوره‌ای نوین از همکاری‌های بین‌المللی برای ایران تلقی می‌شد. حال باید منتظر ماند و دید که آغاز مذاکرات دوباره تهران-واشنگتن و حضور سرمایه‌گذاران آمریکایی، آینده‌ای را رقم خواهد زد؟

اظهارات مقامات و صاحب‌نظران داخلی و تحلیل‌های ارائه شده، نشان می‌دهد که اراده‌ای برای گشودن مسیر اقتصادی وجود دارد اما این اراده مشروط به احترام متقابل، رفع واقعی تحریم‌ها و عدم مداخله سیاسی است. تجربه کوتاه برجام نشان داد که دیپلماسی می‌تواند به رونق اقتصادی و سرمایه‌گذاری منجر شود، هرچند شکستگی آن نیز آشکار شد. اکنون در مقطعی که شاید فرصتی دیگر برای گفت‌وگو فراهم آید، ایران و آمریکا بر سر یک دوره‌ای تاریخی ایستاده‌اند: آیا می‌توانند بر سایه‌های گذشته غلبه کرده و مسیری به سوی منافع مشترک اقتصادی بیابند، یا بار دیگر در چرخه بی‌اعتمادی و تخاصم گرفتار خواهند ماند؟ پاسخ به این پرسش، نه تنها سرنوشت دو ملت که شاید بخشی از آینده اقتصاد جهانی را رقم خواهد زد.

## برجام، پایان ایران‌هراسی و آغاز تعامل

بی‌شک، یکی از ملموس‌ترین دستاوردهای توافق هسته‌ای (برجام) در دوران ریاست‌جمهوری حسن روحانی، فروریختن دیوار بلند ایران‌هراسی در عرصه جهانی بود. قطعه‌نامه‌های پیشین شورای امنیت، برنامه هسته‌ای ایران را تهدیدی علیه صلح بین‌المللی معرفی کرده و با فشارهای سیاسی غرب و لابی‌های صهیونیستی، این انگاره به یک دستور کار ثابت بدل شده بود. برجام اما این روند را معکوس کرد.

آن‌طور که ظریف در دوم اردیبهشت ۱۴۰۳ از آن روزگار نقل کرد: آمریکا هم علاقه‌مند بود اما برای اینکه شرکت‌های آمریکایی در ایران سرمایه‌گذاری کنند، موانع تحریم‌های اولیه وجود دارد و تحریم‌های اولیه را فقط کنگره می‌تواند بردارد و کنگره هم در آن زمان کاملاً تحت تسلط مخالفین دولت آقای اوباما بود. اما خود آمریکایی‌ها هم آمدند برای اینکه این مشکل را حل کنند و با همکاری ما یک استثنایی گذاشتند که در حوزه اختیارات رئیس‌جمهور بود. برای مثال بونینگ برای ده‌ها هوابما با ایران قرارداد بست. در حوزه نمایندگی‌های خارجی، شرکت‌های آمریکایی هم می‌توانستند در ایران







## اعتمادسازی باکو

الهام علی‌اف، رئیس‌جمهور آذربایجان: نمی‌توانیم تصور کنیم که فوراً با ارمنستان دوست شویم، برای همین آماده‌ایم تا گام‌های کوچکی را در راستای اعتماد با ارمنستان برداریم. گام‌های کوچکی در راستای اعتمادسازی بین ایران و باکو برداشته می‌شود. این درحالی است که او اخیراً گفته بود، متن پیمان صلح به طور کامل مورد توافق قرار گرفته و مشتمل بر ۱۷ بند است.



## دیدار در آنتالیا

یکی از مسئولان ارشد عراق در گفت‌وگو با «العربی‌الجديد» اظهار کرد که ترکیه درحال آماده‌سازی شرایط برای برگزاری دیدارهای حاشیه‌ای میان مسئولان عراقی و ابو محمد الجولانی، رئیس دولت موقت سوریه است. وی گفت که وزارت خارجه ترکیه در کنار برگزاری کنفرانس دیپلماتیسی آنتالیا در شنبه آینده، بر این دیدار نظارت دارد و وزیر خارجه عراق و رئیس اقلیم کردستان عراق در این دیدار حضور دارند.



## جنگ در فضا؟

استفن وایتینگ، فرمانده نیروی فضایی آمریکا: زمان آن رسیده که صراحتاً بگویم به تسلیحات فضایی و سامانه‌های تسلیحاتی در آن نیاز داریم. ما به رهگیرهای مداری نیاز داریم. اینها سلاح هستند و ما برای بازدارندگی در قبال درگیری در فضا و موفقیت در صورت وقوع چنین جنگی به آنها نیاز داریم. پیش‌تر، ایده سلاح در فضا «غیر قابل تصور» بود، اما امروزه محور کلیدی برای پیروزی است.

## مصائب ترامپ

## مذاکرات ایران و آمریکا در حالی به سوژه رسانه‌های دنیا تبدیل شده که نگرانی‌ها از کارشکنی تندروهای ایالات‌متحده در واشنگتن افزایش یافته است

**گروه بین‌الملل:** با نزدیک شدن به ساعت صفر مذاکرات مسقط، انوهی از تحلیل و تفسیرهای مکتوب و غیرمکتوب درحال روانه شدن بر خروجی رسانه‌های مطرح جهان است. برخی از این تحلیل‌ها به دلایل این مذاکرات و هرگونه توافق احتمالی میان تهران – واشنگتن پرداخته‌اند و بخشی دیگر، نوع نگاه اسرائیل و لابی‌های آن در ایالات‌متحده را زیر ذره‌بین واکاوی قرار داده است. در این راستا، آنچه که باید مورد نظر قرار بگیرد این است که به‌رغم آنکه ترامپ خود به صورت یک تنه سعی می‌کند تا این موضوع را پیش ببرد و به هدف مورد نظرش نزدیک شود، داده‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد در کابینه او اختلافات مشخصی بر سر توافق با تهران یا حداقل مدل و بندهای آن وجود دارد.

هم‌نظر بودن چهره‌هایی مانند «جی.دی.ونس، معاون ترامپ با استیو ویتکاف، نماینده ویژه رئیس‌جمهوری ایالات‌متحده در امور خاورمیانه برای برگزیدن دیپلماتیسی در مواجهه با ایران ازجمله اتفاقاتی است که شاید برای ترامپ خوب باشد و به نظر می‌آید ترامپ اکنون بیشتر با «جبهه میانه» که از راه‌حل دیپلماتیک طرفداری می‌کنند، هم‌راستا است. باید به این نکته توجه شود که ترامپ در طول کمپین‌های انتخابات ریاست‌جمهوری به این موضوع اشاره کرده بود که فشار حداکثری را بر ایران در صورت به قدرت رسیدن مجدد در دستور کار قرار خواهد داد. در این راستا شاهد آن بودیم که گزینیهایی بسیار تندرو از سوی او برای تصدی سمت مشاور امنیت ملی، وزارت خارجه و اداره پنتاگون در نظر گرفته شدند که نشان از مشی محافظه‌کارانه آنها داشت.

در این مسیر انتخاب مارکو روبیو، سناتور تندروری جمهوری‌خواه برای وزارت خارجه و مایک والتز چهره‌ای که به مواضع تند علیه ایران شهرت دارد به‌عنوان مشاور امنیت ملی از یک‌سو و انتخاب ویتکاف، نماینده ویژه ترامپ در امور خاورمیانه از سوی مقابل، حلقه نزدیک به ترامپ را در ارتباط با ایران دچار دودستگی کرده است؛ هرچند که ممکن است نظرات این نفرات در جایی به یکدیگر تا حدودی نزدیک شود اما این دوقطبی به وضوح قابل لمس و مشاهده است.

در این میان، وجود چهره‌ای رسانه‌ای مانند تاکر کارلسون، در کنار رئیس‌جمهور آمریکا که گفته می‌شود به عنصری بانفوذ در کاخ سفید تبدیل شده بر پیچیدگی‌های تصمیم‌گیری درباره ایران دامن زده است. علاوه بر این، نامه‌هایی چون اریک ترامپ سومین فرزند رئیس‌جمهوری آمریکا به‌عنوان یکی از طرفداران بانفوذ توسل به دیپلماتیسی از سوی برخی منابع مطرح می‌شود که در نهایت استیو ویتکاف را باید مهره اصلی ترامپ در هرگونه تعامل و تصمیم‌گیری درباره ایران خواند. او کسی است که در مذاکرات با روسیه برای پایان دادن به جنگ اوکراین، بر کیت کلوک، فرستاده ویژه ترامپ در امور اوکراین ترجیح یافت و به جای کلوک رهبری مذاکرات واشنگتن با مسکو برای توافق صلح اوکراین را بر عهده گرفت که نشان می‌دهد او هم مورد تأیید ترامپ است و هم اینکه روس‌ها او را تأیید می‌کنند. خبرگزاری فرانسه هم با اشاره به مواضع او در گزارشی یادآور شده پیشنهاد ویتکاف در واقع در راستای توافق باراک اوباما با ایران در سال ۲۰۱۵ است که مورد حمایت کامل طرف‌های اروپایی نیز قرار دارد.

ایسن موضوع در مورد تاکر کارلسون هم صدق می‌کند؛ به‌گونه‌ای که ایندیندنت با اشاره به این موضوع نوشت، کارلسون ممکن است بتواند ترامپ را از هرگونه تنش نظامی با



ایران دور کند؛ همان کاری که در دوره اول ریاست‌جمهوری ترامپ کرد. او ژانویه ۲۰۲۰ در یک برنامه تلویزیونی هشدار داد که اگر آمریکا علیه ایران اقدام نظامی کند به مراتب بدتر از افغانستان در باتلاق گیر خواهد کرد و خروج از آن بسیار دشوار خواهد بود. پس از حمله موشکی ایران به پایگاه عین‌الاسد در ۸ ژانویه ۲۰۲۰ کارلسون مجدداً در یک برنامه تلویزیونی تأکید کرد که «من فکر نمی‌کنم دونالد ترامپ به دنبال یک جنگ تمام‌عیار باشد. اطرافیان‌ش ممکن است دنبال آن باشند اما افراد هوشیار و عاقل نه».

## ◀ مخالفان توافق در کاخ سفید چه می‌گویند؟

در مقابل این طیف که ترامپ را از هرگونه جنگ و تنش بر حذر می‌دارند، دسته‌ای دیگر وجود دارند که به شدت مخالف مداخلات واشنگتن با تهران و انعقاد هرگونه توافق با آن هستند. مایک والتز که در کسوت مشاور امنیت ملی ایالات‌متحده در کابینه ترامپ ایفای نقش می‌کند، دقیقاً یکی از همین نفرات است. او اخیراً در مصاحبه با شبکه ان.بی.سی‌نیوز اعلام کرده که همه گزینه‌ها روی میز است و استفاده از گزینه نظامی علیه ایران را رد نمی‌کند و حتی خواستار پایان قطعی برنامه موشکی، تسلیحاتی و کنار گذاشتن چرخه غنی‌سازی از سوی ایران شده است. والتز در این مصاحبه اعلام کرده که ایرانی‌ها می‌توانند بر سر تحویل و تعدیل این موضوعات توافق کنند و به روشی که قابل راستی‌آزمایی باشد آن را کنار بگذارند، یا اینکه با یک‌سری پیامدهای دیگر مواجه شوند.

این درحالی است که والتز پس از ماجرای موسوم به سیگنال گیت (افشای چت خصوصی مقامات عالی‌رتبه آمریکا درباره جنگ یمن در پیام‌رسان سیگنال)، به واسطه عملکردش تا حدی اعتماد ترامپ را از دست داده است. از سوی دیگر، باید توجه شود که جی.دی.ونس، معاون رئیس‌جمهوری اعتقاد دارد رویکردهای والتز بیش از حد جنگ‌طلبانه است و این وضعیت موجب تشدید دودستگی در تیم سیاست خارجی آمریکا در مواجهه با ایران و منطقه می‌شود و می‌تواند توان و

تمرکز سیاسی – امنیتی ایالات‌متحده را هدر دهد. مارکو روبیو، وزیر خارجه ایالات‌متحده هم از دیگر کسانی است که خواهان برچیده شدن برنامه هسته‌ای ایران است.

اینکه کدام گروه بر دیگری چیره می‌شود و می‌تواند بر ترامپ تأثیر مستقیم و مفید داشته باشد، موضوعی است که نمی‌توان به این راحتی بدان پاسخ داد اما تحرکات دیپلماتیک در ایالات‌متحده نشان می‌دهد که ترامپ بیش از هر چیز مایل است که بتواند با ایران به یک توافق مشخص دست پیدا کند. دلیل این امر هم مشخص است؛ نخست اینکه، او می‌خواهد به دموکرات‌ها ثابت کند که می‌تواند بسیار بهتر از آنها، توافقی مناسب‌تر از برجام را با تهران منعقد کند و سپس همین موضوع را همانند پتک بر سر اوپاما و تیم وی و حتی بایدن و کلیت رقبای داخلی خود بگوید. دومین دلیل هم این است که ترامپ نگاه خود را به سیگنال‌های اقتصادی تهران دوخته است. اینکه مقامات عالی و ارشد کشور موضوع سرمایه‌گذاری آمریکا در ایران را مطرح می‌کنند، دقیقاً موضوعی است که ترامپ آن را می‌خواهد. او از یکسو با مشکلات اقتصادی در داخل آمریکا و به‌خصوص پس از وضع تعرفه‌ها روبه‌رو است که تظاهرات داخلی علیه وی به راه انداخته است و از سوی دیگر، مجدداً به دنبال آن است تا بتواند قفل ۴۵ ساله تبادل اقتصادی میان واشنگتن – تهران را باز کند و باز هم به تمام رؤسای‌جمهور ادوار ایالات‌متحده بگوید که «من این توافق را عملیاتی کردم». فارغ از این مساله باید توجه داشت که برخی از رسانه‌های ایالات‌متحده هم شکاف میان ایران و آمریکا را زیر نظر دارند. به‌عنوان مثال، روزنامه نیویورک‌تایمز در گزارش خود نوشته است که «شکاف دو طرف بسیار زیاد به نظر می‌رسد. ایرانی‌ها به دنبال نسخه به‌روز شده توافق دوران اوپاما هستند و آمریکایی‌ها می‌خواهند زیرساخت گسترده غنی‌سازی سوخت هسته‌ای، برنامه موشکی و حمایت دیرینه تهران از گروه‌هایی همچون حماس و حزب‌الله را از بین ببرند»، این درحالی است که به نظر می‌آید، اسرائیل هم از این روند چندان رضایت ندارد و حالا باید منتظر خروجی نشست مسقط ماند.

## دیدگاه: گزارش خارجی

## کی‌یف و ناگامی ترامپ

چرا تلاش‌های آمریکایی‌توانست  
حملات روسیه به اوکراین را کاهش دهد؟

چندین ماه است که شاهد شدیدترین درگیری‌ها در جنوب شهر پوکروفسک به‌عنوان یک مرکز لجستیکی مهم برای نیروهای اوکراین در منطقه دوتسک هستیم. ارتش اوکراین از آغاز سال جاری میلادی تاکنون چندین موفقیت تاکتیکی کوچک داشته و توانسته است مانع برخی پیشروی‌های روسیه به سمت «پوکروفسک» شود. اما گفته می‌شود که طی ۱۰ روز گذشته، نیروهای مسلح روسیه حملات را از سر گرفته و نیرو و تسلیحات بیشتری برای حملات بعدی ارسال کرده‌اند. اما با توجه به اینکه خود پوکروفسک به‌شدت مورد دفاع قرار دارد، تلاش اصلی روسیه در این منطقه می‌تواند به جای فشار به سمت شمال، به سمت غرب باشد.

پست‌های رسانه‌های اجتماعی سربازان اوکراینی نیز در چند روز گذشته حاکی از ترس از محاصره احتمالی و نقض خط دفاعی مکان دیگر است. یک اوکراینی در پستی در تلگرام نوشت: «هدف از پیشروی روس‌ها شهری به نام «نوویا‌ولیوکا» در ۵۶ کیلومتری جنوب‌شرقی «زاپروژیا» است». این اوکراینی افزود: «آنها وارد منطقه دنیپروپتروفسک (یکی از استان‌های مرکزی اوکراین) خواهند شد، این یکی از وظایف مهم تعیین شده از سوی فرماندهی روسیه است».

حرکت به سوی دنیپروپتروفسک لحظه مهمی است، زیرا این نخستین‌بار است که نیروهای روسی با به آنجا می‌گذارند. در واقع، این اولین منطقه جدید در اوکراین خواهد بود که در بیش از سه سال از حمله روسیه ممکن است اشغال شود. یک سرباز اوکراینی به نام «الکس» در کانال تلگرامی خود در مورد انواع تاکتیک‌های روسیه در هفته‌های اخیر مطالبی آورده که آنها در ستون‌هایی متشکل از خودروهای زرهی و غیرزرهی رو به جلو حرکت می‌کنند و بقیه خودروهای آنها شامل کامیون‌ها، خودروها و چرخ‌دستی است.

وی بدون‌تردید در مورد چشم‌انداز پیشروی‌های بزرگ روسیه، در تلگرام توضیح داد: «بله، آنها نیروی انسانی زیادی دارند، چندین برابر ما، اما هر چه بگوییم، در جنگی در قرن بیست‌ویکم، نمی‌توان بدون ابزار مکانیسم و پشتیبانی پیادennظام موفق بود». استانیسلاو بونیاتوف، فرمانده اوکراینی نیز در کانال تلگرام خود نوشت که نیروهای روسی در آنجا متحمل خسارات سنگینی شده‌اند. وی افزود: «یک واحد روس در این منطقه روزانه ۱۰ تا ۵۰ سرباز را از دست می‌دهد». همچنین تسلیح اوکراین از سوی اروپا در بحبوحه تردیدها از حمایت نظامی آمریکا در بهترین حالت، ممکن است چند سال به طول انجامد تا به نتیجه برسد. ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهوری اوکراین نیز که تحت فشار واشنگتن متعهد به پایان جنگ شده است. در این میان، کرملین هم اگرچه به‌نوبه خود می‌گوید خواهان صلح است، اما تأکید کرده تنها در صورتی به این امر تن می‌دهد که به «علل اصلی» درگیری پرداخته شود، که از نقطه نظر سی‌ان‌ان، بدان معناست که اوکراین باید بی‌هیچ تردید به حوزه نفوذ مسکو بازگردد. این درحالی است که هفته گذشته پوتین بر بزرگ‌ترین دوره سربازی اجباری در بیش از ۱۰ سال گذشته و جاب‌طلبی وی برای ایجاد ارتشی با ۱.۵ میلیون سرباز فعال، تأکید کرده است که تشدید حملات هوایی روسیه در کنار این موضوع نشان می‌دهد که هیچ نشانه‌ای از کندی روند جنگ وجود ندارد و حاکی از یک کارزار فرسایشی برای فشار بر اوکراین است. از سوی دیگر کریستوفر دوناو، فرمانده مرکز فرماندهی ارتش ایالات‌متحده در اروپا و آفریقا اعلام کرده که کار تسهیل ارسال کمک‌های نظامی به اوکراین از طریق پایگاه یاشونکا در ادامه تحت رهبری لهستان و ناتو ادامه خواهد یافت؛ چراکه پس از ۳ سال استقرار نیروهای آمریکایی در این پایگاه، خروج از یاشونکا فرصتی است تا به بررسی میزان اثرگذاری حضور نیروهای خود در آنجا بپردازیم.

سی.ان.ان







سال هشتم شماره ۱۹۴۰  
پنج‌شنبه ۲۱ فروردین ۱۴۰۴

## کافه

تازه‌های ادبیات و هنر

### گفتار

#### فقر رمان فلسفی فارسی

روایت نادیا مفتونی از هم‌نشینی داستان و فلسفه



نادیا مفتونی، استاد فلسفه دانشکده الهیات دانشگاه تهران که بسیاری از درس‌های فلسفه خود را با هنر و ادبیات آمیخته و به شاگردانش ارائه می‌دهد در گفت‌وگو با مهر درباره تلاش و فعالیتش در جهت هم‌نشینی رمان و فلسفه و ضرورت این امر می‌گوید: «برنامه‌ریزی که من به سهم خود به تازگی برای دانشجوهای ورودی جدید انجام دادم این بود که در کنار مسیر علمی- پژوهشی که به بچه‌ها یاد می‌دادیم چگونه یک مقاله علمی برای مقاطع تحصیلی بعدی بنویسند و مسیر خود را ادامه دهند. این را هم یاد دادیم که ایده‌ها و اندیشه‌های فلسفی خود را در قالب آثار هنری و رمان‌نویسی پیاده کنند و این مسیر نه تنها ایجاد هزینه نمی‌کند بلکه ایجاد درآمد هم می‌کند؛ ممکن است عده‌ای این دو مسیر علمی و هنری را در کنار هم پیش بگیرند ممکن هم است عده‌ای فقط مسیر دوم را انتخاب کنند. اصل هدفم هم این بود که به دانشجویان بگویم لازم نیست همه دانشجویان، استاد دانشگاه یا پژوهشگر شوند و اصلاً اگر بشوند هم دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های ما ظرفیت پذیرش آنها را ندارد. سال ۲۰۱۰ نمایشگاه نقاشی مشترکی با همسرم در بیروت پایتخت لبنان داشتیم و در آن نمایشگاه خیلی از اهل علم به بازدید آثار نمایشگاه آمدند. من آن موقع تازه دکترای فلسفه را تمام کرده و مشغول تدریس بودم. بسیاری از من می‌پرسیدند، آیا رشته تحصیلی‌ام فلسفه است و این‌که چطور ممکن است عقل و معقولات با هنر و خیال یکجا جمع شود؟ طرح همین سوال نشان می‌دهد ما در این حیطه چقدر عقبیم. این مسیر تازه‌ای که من برای دانشجویانم طراحی کرده‌ام برای بسیاری از اساتید فلسفه کلاسیک عجیب است در حالی که برای من عجیب است که چرا برای دیگران این کار عجیب است مگر رساله الطیر ابن‌سینا داستان نیست یا مثلاً شیخ اشراق ۱۰ رساله داستانی و رمزی دارد مثل قصه غربت غربی که یک داستان کامل است.» او درباره چیستی و ماهیت داستان فلسفی می‌گوید: «داستان فلسفی می‌تواند گونه‌های متنوعی داشته باشد؛ یک گونه مثل «قصه غربت غربی» «مونس العشاق» شیخ اشراق و «دنیای سوفی» که مطالب و دیدگاه‌های فلسفی را در قالب استعاره و تمثیل بیان می‌کنند یک گونه هم داستان‌های عمیقی هستند که در لایه‌های زیرین خود مضامین فلسفی دارد. به عنوان مثال تمدن غرب حاصل چپ نو و مکتب فرانکفورت است و ما اگر بخواهیم این تمدن را نقد کنیم، می‌توانیم نقد را در قالب یک داستان فلسفی بیان کنیم که غربی‌ها هم بخوانند نه اینکه در رسانه‌های آنها بایکوت شویم. به بیان دیگر از نظر من برای بیان انتقاداتمان به غرب راه دیگری جز بیان نقد به زبان داستان نداریم. مفتونی درباره وضعیت فعلی داستان فلسفی در ایران می‌گوید: «واقعیتش این است که ما اصلاً در کشورمان چیزی به عنوان رمان فلسفی نداریم. رمان فلسفی یعنی کتاب به نام «دنیای سوفی» که همه از غرب و شرق آن را خوانده باشند. البته که خارجی‌ها روی تبلیغات و معرفی کتاب‌هایشان هم خیلی خوب کار می‌کنند اما به هر حال ما رمان ایرانی که مثل «دنیای سوفی» خوانده شود، نداریم. چیزی که ما نیاز داریم، رمان فلسفی است که مردم در همه جای جهان آن را بخوانند. مثلاً خیلی‌ها مقام رهبری را فیلسوف و اندیشمند جهانی می‌دانند و ما هم که این را قبول داریم و شیفته ایشان هستیم اما سوالم این است که سیستم آکادمیک و دانشگاهی کشورمان در این باره چه کرده و چه خروجی داشته است. خلاصه این‌که لازم است جریان داستان‌نویسی فلسفی آغاز شود و دانشجویان هم به این مسیر تشویق شوند تا در مسیر بمانند چون اگر قرار باشد فقط فلسفه بخوانند یا نیمه کارها می‌کنند یا ادامه نمی‌دهند.»



#### دکترای افتخاری نوبلیست

اولگا توکارچوک، نویسنده لهستانی برنده نوبل ادبیات ۲۰۱۸ از دانشگاه سوربن دکترای افتخاری دریافت کرد. او نخستین نویسنده لهستانی است که به این شکل مورد تقدیر قرار گرفته است. دانشگاه سوربن در بیانیه خود نوشته است: «کتاب‌های اولگا توکارچوک به موضوعاتی می‌پردازند که به قلب او نزدیک هستند مانند رازها، اسطوره‌ها و سفر.» توکارچوک یکی از ۸ شخصیت خارجی است که دکترای افتخاری دانشگاه سوربن را گرفته است.



#### گتسبی بزرگ ۱۰۰ ساله شد

«گتسبی بزرگ» اف. اسکات فیتزجرالد، یکی از شاهکارهای ادبیات قرن بیستم آمریکا نخستین بار در سال ۱۹۲۵ منتشر شد. در صدمین سالگرد انتشار این رمان و اولین نسخه‌های آن در نمایشگاه کتاب‌های عتیقه لندن در ماه ژوئن امسال عرضه شد. به اعتقاد بسیاری از منتقدان هنوز گتسبی در سال ۲۰۲۵ حرف‌های زیادی برای گفتن دارد و اضطراب‌هایش در لحظه‌های ما دوباره با شدت ظاهر شده است.



#### نقاشی یک میلیون پوندی

ال. اس. لوری یکی از نخستین نقاشی‌هایش را در سال ۱۹۲۶ میلادی به آرتور والاس، ویراستار ادبی «گاردین منچستر» ۱۰ پوند فروخت حالا اثر هنری «رفتن به کارخانه» ال. اس. لوری در حالی قرار است به حراج گذاشته شود که ممکن است یک میلیون پوند به فروش برسد. این اثر که قرار است اوایل ماه مه در لندن به فروش برسد، صحنه‌ای از موضوع کلاسیک «لوری» را به تصویر می‌کشد.

# رمان آقای کارگردان

اولین رمان **وودی آلن** به‌زودی منتشر می‌شود



وودی آلن، کارگردان، کم‌دین و فیلم‌نامه‌نویس مشهور آمریکایی که بارها اسکار و تمام آن تشکیلات عریض و طویل آن را سر کار گذاشته و زندگی پر فراز و نشیبی داشته در آستانه ۹۰ سالگی اولین رمان خود را با عنوان «باوم چش شد؟ / What's with baum?» را ۲۳ سپتامبر ۲۰۲۵ (۳ مهر ۱۴۰۴) منتشر خواهد کرد. وودی آلن تاکنون ۵۰ فیلم بلند سینمایی ساخته و پیش از این رسانه‌های اسپانیایی از ساخت پنجاهویکمین فیلم بلند او در شهر بارسلون خبر داده‌اند، پروژه‌ای که ظاهراً قرار بود در ایتالیا مقابل دوربین برود.

رمان «باوم چش شده» در ادامه سبک آشنا و دغدغه‌های همیشگی وودی آلن، داستان روشن‌فکر میان‌سال‌ی را روایت می‌کند که درگیر اضطراب‌های بی‌پایان درباره معنا و پوچی زندگی است و به نظر می‌رسد، آرام‌آرام سلامت روان خود را از دست می‌دهد. وودی آلن در رمانش نیم‌نگاهی هم به فضا و مناسبات نشر و چاپ کتاب در نیویورک دارد. آش‌رام یک ژورنالیست یهودی میان‌سال است که به نمایش‌نامه‌نویسی و رمان‌نویسی رو آورده است. در همان حال که کتاب‌های متلاطم فلسفی آش‌رام تقدیمات نسبتاً منفی به همراه دارند و ناشر نیویورکی‌اش از ادامه همکاری با او دست می‌کشد از یک‌سو با ازدواج سومش و از سوی دیگر در ارتباط با پسرش، که نویسنده‌ای است موفق، در کلنجار دائمی به سر می‌برد. او گمان می‌کند برادر کوچک‌تر، خوش‌تیپ و موفقش ممکن است همسر تحصیل کرده‌اش را اغوا کرده باشد و به نزدیکی او با همسایه‌شان در کنتیکت هم مشکوک است. آش‌رامی‌سر و صدا در حال از دست دادن عقل خود است و شروع به صحبت با خودش کرده است. غریبه‌ها سرشان را تکان می‌دهند و در خیابان از او دور می‌شوند ولی او راز شگفت‌انگیزی را پیدا می‌کند که در صورت افشای آن می‌تواند باعث نابودی خیلی چیزها شود. رمان وودی آلن توسط انتشارات پست هیل پرس که زیرمجموعه انتشارات مشهور سیمون و شوستر است به چاپ می‌رسد و ۱۹۲ صفحه دارد.

#### ❖ بیخود و بی‌جهت

آلن استوارت کوینگر برگ یا همان وودی آلن در قریب به ۷ دهه فعالیت مستمر در ادبیات، تئاتر و سینما آن‌قدر پرکار بوده و بی‌وقفه داستان، نمایش‌نامه و فیلم‌نامه نوشته و آن‌قدر فیلم ساخته و تئاتر و استندآپ و... اجرا کرده که بدون هیچ ماجراجویی،

زندگی‌اش مثل یک بازی است که نه بردش مشخص است و نه باختش. او سال‌هاست با اتهام‌های مختلفی از سوی بعضی از زن‌های زندگی‌اش روبه‌رو شده و در مقابل بعضی از دیگر زن‌های زندگی‌اش نیز از او دفاع کرده‌اند، به یکی از نمونه‌های جالب بساط جنبش «MeToo» بدل شده که هنوز تکلیف خیلی‌ها با او مشخص نیست! وودی آلن در کتاب «بیخود و بی‌جهت» که نشر برج آن را با ترجمه لیدا صدرالعلمایی منتشر کرده از زندگی خودش با همه ریزبینی‌ها و نکته‌سنجی‌ها و شدت‌ها و حدت‌هایی که از هم‌چو او بی‌انتظار می‌رود، نوشته است. وودی آلن قصه‌گوی قهاری است؛ شک نکنید که از مصاحبت با او لذت خواهید بُرد، قاه‌قاه خواهید خندید و جدا از همه این‌ها داستانی پیش روی شماست و شما قاضی هستید. از طرف نویسنده اگر بخواهید بدانید، انگار هنوز مهم‌ترین دغدغه‌اش همین است که خوب قصه تعریف کند حتی اگر قصه حساس داستان زندگی خودش باشد و دیگر به پرده پایانی زندگی رسیده باشد.

«بیخود و بی‌جهت» روایت مستقیم و بلاواسطه‌ای از زندگی کارگردان و نویسنده‌ای است که دوست داشت، برگمان شود ولی وودی آلن نشد. کتاب به لحاظ سرک کشیدن به زندگی وودی آلن فوق‌العاده جذاب است، انگار ادای دین اوست به زندگی. درباره سینماست، درباره روابط، درباره خانواده، نوشتن، عشق، جامعه، ترس، ضعف و تمام چیزهایی که زندگی‌ما را احاطه کرده است. خودش می‌گوید به درد دانشجویان فیلم‌سازی نمی‌خورد. با این‌حال از حواشی فیلم‌هایش خاطرات باسزه‌ای تعریف می‌کند؛ از لحظه ملاقات با دایان کیتن، از نوع فیلم‌سازی‌اش و نگاهش به سینما و از دوستی‌ها و خصومت‌ها. ولی با تمام این‌ها می‌نویسد: «برای خود من موقع بازخوانی و ویرایش،



بهترین بخش‌های کتاب ماجراجویی‌های عاشقانه‌ام و نوشتن از زنان فوق‌العاده زندگی‌ام بود که با شور و شوق شیفته‌شان شدم. هر چیز جالبی که در زندگی حرفه‌ای‌ام بود در کتاب آوردم که البته آن‌قدر بی‌حاشیه و آرام پیش رفته که قصه‌های هیجان‌انگیزی از دلش بیرون نمی‌آید.» وودی آلن می‌گوید، زندگی‌اش قصه زیادی برای گفتن ندارد اما بیخود و بی‌جهت پسر از قصه و خاطره و تصاویر زنده یک زندگی جنجالی است؛ زندگی‌ای که از خیابان‌های بروکلین آغاز می‌شود، کودکی‌اش در آرزوی سفر با قطار به منهن و پناه گرفتن در سالن سینمای محله و نواختن کلارینت در اتاق کوچک خانه پدری سپری می‌شود و به طنز نویسی برای روزنامه‌ها و اجرای استندآپ کمدی در سالن‌ها و بالاخره ایستادن پشت پرده به عنوان کارگردان می‌رسد. آلن در این کتاب از مسیر زندگی حرفه‌ای‌اش که به قول خودش همیشه با خوش‌شانسی قرین بوده، می‌گوید؛ از زندگی خانوادگی‌اش و تمامی رسوایی‌ها و اتهاماتی که در سال‌های اخیر دوباره جایگاهش را در هالیوود خدشه‌دار کرده است. زندگی‌نامه آلن درست مثل فیلم‌هایش است؛ شلوغ، پر از جزئیات، سرزنده و مملو از طعنه و کنایه‌های طنزآمیز.

دنیای وودی آلن، همان‌طور که از او انتظار می‌رود پر از حاشیه و ماجراست. هر چند خودش مدام در کتاب متذکر می‌شود که روشن‌فکر نیست و این تصور به خاطر عینکش به وجود آمده است ولی همه می‌دانیم او استندآپ کم‌دین بوده، گروه موسیقی جز داشته، مدام فیلم می‌ساخته و هم‌چنان هم می‌سازد. همه هم می‌دانیم که آدم کاملی نیست و زندگی پرحاشیه‌ای داشته، زن‌های معروف زیادی در زندگی‌اش بوده‌اند. از همسر اولش، لوئیس لس‌بازیرگر تا دایان کیتن و از همه پرسروصدا تر، میا فارو و همسر فعلی‌اش، سسون-بی. کتاب «بیخود و بی‌جهت» را قرار بود انتشارات «هچت» منتشر کند اما در جریان جنبش «MeToo» از انتشار کتاب انصراف داد. همین کار باعث شد، موج جدیدی به بحث درباره آزار جنسی و روایت آن برسد. با توجه به این‌که وودی آلن دوبار در این پرونده تریه شده بود، واکنش‌ها به انصراف نشر تندوتیز بود و سرانجام مدیران نشر «آرکید پبلیشینگ» حق انتشار جهانی «بیخود و بی‌جهت» را از آن خود کردند و کتاب را دوشنبه ۲۳ مارس ۲۰۲۰ در آمریکا به بازار فرستادند.

عده‌ای کتاب وودی آلن را صادقانه دانستند و عده‌ای تلاش او را برای توضیح ماجرا مذبوحانه، ولی کسی هیچ‌وقت به طنز بی‌بدیل وودی آلن شک نداشت و این بار هم شک نکرد. وودی آلن بخش آخر کتابش را به دفاع از خود در برابر این اتهام‌ها اختصاص داده است. او در مورد موانع و مشکلاتی که پس از جنبش «MeToo» سر راه ساختن فیلم «فستیوال ریفتین» با آن روبه‌رو شد، می‌نویسد: «پیدا کردن بازیگر خیلی سخت شده بود. بازیگران زن و مرد، یکی پس از دیگری، پیشنهاد کار با من را رد می‌کردند. مطمئنم بعضی‌ها قلباً باور دارند، من یک متجاوزم (هنوز نمی‌فهمم این یقین کامل از کجا می‌آید). معلوم بود که بعضی از بازیگرها فکر می‌کردند، رد کردن پیشنهاد بازی در فیلم من، کار شرافتمندانه‌ای است. اگر جرمی مرتکب شده بودم، این حرکتشان می‌توانست معنی‌دار باشد ولی چون این‌طور نیست فقط داشتند مرد بی‌گانه‌ای را آزار می‌دادند و به تأیید خاطراتی که به دیلن الفا شده، کمک می‌کردند. ناخوسته زمینه‌ساز نقشه‌های میا شده بودند. بازیگرهایی هم بودند که به خود گفتند، پرونده را به دقت دنبال کرده‌اند... ولی با وجود بی‌گانه‌ی آشکار من نمی‌توانستند با من کار کنند چون معتقد بودند، عواقب آن باعث می‌شود بروند انتهای صف اداره بی‌کاری.» اما اکنون دیگر از آن سر و صدا خبر چندانی نیست و خبر انتشار قریب‌الوقوع اولین رمان وودی آلن با استقبال رسانه‌ها همراه بوده است.



## گزارش سینمای جهان

## ماموریت تام کروز درکن

## ماموریت غیرممکن ۸

اولین فیلمی است که اکرائش قطعی شد

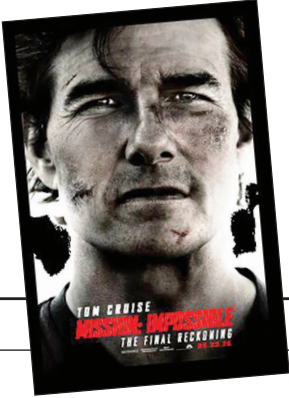
فیلم «ماموریت غیرممکن ۸» در بخش «خارج از مسابقه» جشنواره کن اکران خواهد شد. پس از چند هفته گمانه‌زنی، «ددلین» تایید کرده است که این دنباله به کارگردانی «کریستوفر مک‌کوری» و بازی «تام کروز» ۱۴ مه برای اولین‌بار به نمایش درمی‌آید. کروز سه سال پیش با فیلم «تاپ گان: ماوریک» به کن سفر کرده بود. او در سال ۱۹۹۲ فیلم «دور و دورتر» «ران هاوارد» را در این جشنواره داشت. این بازیگر ۶۲ ساله چند روز پیش از اکران «ماموریت غیرممکن ۸» در کن به لندن سفر می‌کند تا پس از دریافت یک جایزه افتخاری از «بنیاد فیلم بریتانیا» (BFI) در یک جلسه پرسش و پاسخ حضور پیدا کند. او هفته پیش در سینماکان لاس‌وگاس تصاویر جدیدی از «ماموریت غیرممکن ۸» را به سالن‌داران نشان داد و به «وال کیلمر» بازیگر «تاپ گان» که چند روز پیش از آن مراسم از دنیا رفته بود ادای احترام کرد. چهارشنبه ۱۴ می، تام کروز، بازیگر و تهیه‌کننده، همراه با کریستوفر مک‌کوری، همکار دیرینه‌اش در مقام کارگردان و فیلمنامه‌نویس و همچنین دیگر بازیگران فیلم، روی فرش قرمز کاخ جشنواره قدم خواهند گذاشت. این سومین حضور تام کروز اسطوره هالیوود در کن است. نخستین‌بار در سال ۱۹۹۲ برای نمایش نخست فیلم «دور و دورتر» به کارگردانی ران هاوارد بود و پس از گذشت چند سال، بازگشت به یادماندنیش در سال ۲۰۲۲ با نمایش «تاپ گان: ماوریک»، که با مسترکلاس هیجان‌انگیز و استقبال احساسی از او هنگام دریافت نخل طلای افتخاری نیز همراه بود، اتفاق افتاد.

پارامونت سابقه پرریاری در جشنواره کن دارد و تام کروز نیز چندین‌بار با فیلم‌هایش به کن آمده است که آخرین بار با فیلم «تاپ گان: ماوریک» در سال ۲۰۲۲ رقم خورد که به یک موفقیت بزرگ رسید. این فیلم در نهایت ۱/۴۵ میلیارد دلار در گیشه جهانی فروش داشت و حتی نامزدی اسکار دریافت کرد. سری فیلم‌های «ماموریت غیرممکن» (Mission: Impossible) یکی از پرطرفدارترین و موفق‌ترین فرنچایزهای سینمایی جهان است. این سری فیلم‌ها براساس مجموعه تلویزیونی به همین نام که در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ پخش می‌شد، ساخته شده‌اند. اولین فیلم این مجموعه در سال ۱۹۹۶ به کارگردانی بریانی دی پالما و با بازی تام کروز به‌عنوان شخصیت اصلی روی پرده آمد و تاکنون هفت فیلم از این مجموعه راهی سینما شده‌اند که در مجموع ۴.۱۴ میلیارد دلار در گیشه جهانی سینما فروش داشته‌اند.

تیری فرمو، مدیر جشنواره کن در پاسخ به این پرسش که همه منتظرند «ماموریت غیرممکن ۸» در کن باشد، گفت: «این فیلم بین ۲۱ تا ۲۳ می در بسیاری کشورها اکران می‌شود، پس شایعه طبیعی و منطقی است. به‌ویژه پس از حضور فوق‌العاده تام کروز در کن برای «تاپ گان: ماوریک» و همکاری عالی ما با پارامونت. امیدواریم بتوانیم دوباره با آنها همکاری کنیم و به هواداران تام کروز و کریستوفر مک‌کوری خوشامد بگوییم».

در فیلم «ماموریت غیرممکن: روزشمار نهایی» تام کروز بار دیگر در نقش «ایتن هانت» ظاهر می‌شود؛ شخصیتی که از آغاز این مجموعه در سال ۱۹۹۶ نقش آن را ایفا کرده است. «ایتان هانت» و یاران قدیمی‌اش در «ماموریت: غیرممکن - حساب‌رسی نهایی» تلاش می‌کنند تا مانع از انفجاری بزرگ در جهان شوند. جست‌وجوی کلیدها همچنان ادامه دارد و گروه به گوشه و کنار زمین سفر خواهند کرد تا این ماموریت را با موفقیت به پایان برسانند.

«شی ویکام»، «هیلی آت‌ول»، «ایسای مورالس»، «ونسا کریسی» و «وینگ ریمز» نقش‌های پیشین خود را تکرار کنند. بازیگران جدید چندگانه «هولت مک‌کالانی»، «نیک آفرمن»، «جانت مک‌تیر»، «کتی اوبرایان» و «هانا وادینگهام» خواهند بود. «ماموریت: غیرممکن - حساب‌رسی نهایی» ۲۳ مه در سینماهای آمریکا اکران خواهد شد.



## موموآ و رئیس جنگ

جیسن موموآ دومین اثر تلویزیونی خود «رئیس جنگ» را با نگاهی به رسوم و فرهنگ کهن اهالی هاوایی آماده پخش کرده است. این قهرمان اکشن یکی از نویسندگان فیلمنامه سریال هم هست. داستان این سریال، نه اپیزودی براساس رویدادهای واقعی تاریخی نوشته شده و درباره کایانا (با بازی موموآ) یکی از سلحشوران و رزمندگان قوم هاوایی است که تلاش زیادی برای متحد کردن قبیله خود در قرن هجدهم میلادی انجام داد.

روش برای چنین فیلمی است؟ هرچه واقع‌گرایی بیشتر می‌شود، شکاف بین واقعیت و خیال نیز بیشتر می‌شود. برای جنکینز در گفت‌وگویی درباره بحث طولانی که پیرامون نسخه بازسازی سال ۲۰۱۹ شیرشاه مبنی بر انیمیشن بودن یا فیلم زنده به حساب آمدن آن - جریان داشت چنین نظری دارد: «قطعا یک فیلم انیمیشن است. من دائم درحال گپ و گفت با انیماتورهایی هستم که می‌کوشند این به‌اصطلاح مدل‌های عکس واقع‌گرایانه را به‌نوعی دستکاری کنند که به مقصود بیانی مورد نظرمان برسیم؛ و به همین دلیل من این فیلم را یک اثر سینمایی زنده نمی‌دانم. موفاسا، شیرشاه هم مثل قسمت اولش یک فیلم انیمیشن است که فقط از ابزار

بسیاری متفاوتی بهره برده است». این روزها به نظر می‌رسد دست نویسندگان دیزنی به نوشتن ایده‌های تازه نمی‌رود؛ اما از خلق داستان و شخصیت‌های نو سخت‌تر، نوشتن پیش‌درآمدی است که حق داستان اصلی را ادا کند. یک پیش‌درآمد درست و حسابی باید ماهیت مستقلی داشته باشد، اما همچنان به جریان و کاراکترهای فیلم‌های سابق صدمه زند؛ مهم‌تر از همه، جذاب باشد. بالاخره همه می‌دانیم برای اینکه داستان «شیرشاه» خدشه‌دار نشود، قهرمانان اصلی شامل موفاسا، اسکار، رافیکسی و دیگران باید زنده بمانند و از دست شرور فیلم هم باید خلاص شد. اما «موفاسا» بااینکه به‌عنوان پیش‌درآمدی بر فیلم ۱۹۹۴ نامیده شده، از نظر داستانی بیشتر شبیه بازسازی «شیرشاه» است؛ با سیمبایی که حالا موفاسا نام دارد و توله‌شیری که نمی‌خواهد شاه باشد و به مرور با کمک دوستانش، توانایی‌های رهبری خود را کشف می‌کند. دیزنی می‌خواهد این فیلم پول بسازد، که این اتفاق به نسبت افتاد. این فیلم تجربه‌ای مشترک برای خانواده‌ها فراهم می‌کند. اما با وجود جلوه‌های بصری درخشان، «موفاسا» فیلمی تکراری است و این مساله باعث می‌شود تماشاى آن (حداقل برای بزرگسالان) ناامیدکننده باشد. این انیمیشن بیشتر یک داستان ماجراجویانه آموزنده برای کودکان است تا بزرگسالان.

در نهایت می‌توان گفت از نظر گرافیک و جلوه‌های ویژه همچنان با اثری قدرتمند طرف هستیم، اما در مقایسه با فیلم شیرشاه باید بگوییم که نسخه جان فاورو را به فیلم موفاسا بری جنکینز ترجیح می‌دهیم. در واقع باید گفت، «موفاسا» داستان بدی از سرزمین حیوانات سخنگوی دیزنی نیست اما به اندازه قسمت اول به داستان منبع اقتباسش وفادار باقی نمانده است. فیلم نمی‌تواند عمق داستانی و شخصیت‌پردازی مناسبی ایجاد و ارائه کند و با اثری سطحی طرف هستیم که اسیر سیاست‌های دیزنی شده است.

کوبین ماهر، نویسنده تایم درباره فیلم نوشته است: «فیلم از نظر فنی بسیار چشمگیر است، اما بسیار کمتر از فیلم سال ۲۰۱۹ تاثیر می‌گذارد. به مطمئناً فیلم پول زیادی روانه استودیو سازنده روانه خواهد کرد، اما در شکل فعلی شبیه یک فرصت از دست رفته بزرگ است».



## امیدواری افلک به حسابدار

بن افلک همزمان به موفقیت بالای مالی و انتقادی قسمت دوم درام اکشن تعلیقی دلهره‌آور «حسابدار» امید زیادی دارد. این اکشن دلهره‌آور دنباله‌ای بر فیلم موفق به همین نام است که سال ۲۰۱۶ به روی پرده سینماها رفت. افلک یک‌بار دیگر در قالب کاراکتری ظاهر می‌شود که حسابداری ماهر بود که درگیر یک تئوری توطئه خطرناک شده و وارد دنیایی از خلاف و جنایت می‌شود.

بری جنکینز پیشنهاد کارگردانی این فیلم را تقریباً بدون خواندن یک صفحه از فیلمنامه‌اش رد کرده بود. او در این‌باره چنین توضیح داده است: «مدیر برنامه‌هایم تماس گرفت و گفت دیزنی پروژه ساخت یک سرآغاز بر «شیرشاه» را فرستاده است. من هم در جواب گفتم: خب، چنین اتفاقی روی نخواهد داد؛ و اصلاً لازم نیست که فیلمنامه را بخوانم!» در نهایت به خاطر اصرار لولو وانگ فیلمساز بود که جنکینز قبول کرد در جریان ترظینه ناشی از شیوع کووید ۱۹ در سال ۲۰۲۰ نگاهی به فیلمنامه بیندازد. جنکینز درباره غافلگیری‌اش می‌گوید: «انتظار داشتم فقط پنج صفحه را بخوانم و جواب



منفی‌ام را بدهم اما تا صفحه ۴۵ جلو رفتم و بعدش به مدیر برنامه‌هایم گفتم: چقدر خویه این لعنتی! به‌عنوان کسی که کاملاً با شیرشاه آشنا بودم از این موضوع شوکه شدم که چطور فکر می‌کرد خیلی از چیزها را می‌دانم، ولی اشتباه می‌کردم». بری جنکینز هم در مورد برخی از شایعات که می‌گفتند این فیلم اقتباسی از انیمیشن شیرشاه: غرور سیمبا محصول سال ۱۹۹۸ است، اظهار کرد، برخی مفاهیم و مضامین آن فیلم در موفاسا: شیرشاه هم استفاده شده، اما این فیلم یک اقتباس مستقیم از انیمیشن سال ۱۹۹۸ نیست.

موفاسا بدون‌شک از نظر فنی یکی از پیشرفته‌ترین فیلم‌های انیمیشنی تا به امروز است که با ترکیبی از CGI و موشن کپچر، حیوانات را به شکلی واقع‌گرایانه خلق کرده است. با این حال، این سوال وجود دارد که آیا این بهترین



## استاونه سلطان می‌شود

سیلوستر استالونه با اعلام خبر شروع کار فیلمبرداری فصل سوم «سلطان توسلا»، از تغییرات عمده در فضا و حال‌وهوای آن گفت. از صحبت‌های بازیگر چنین استنباط می‌شود که تماشاگران باید منتظر اتفاقات غیرمنتظره‌ای در فصل تازه این سریال باشند. داستان سریال درباره یک رئیس گروه مافیایی است که بعد از ۲۵ سال از زندان آزاد شده و راهی شهر توسلا می‌شود.

«موفاسا: شیرشاه»، انیمیشنی به کارگردانی بری جنکینز است. فیلمساز تحسین‌شده‌ای که پیش از این با «فیلم‌های مهتاب» (۲۰۱۶) و «اگر خیابان ییل سخن می‌گفت» (۲۰۱۸) و سریال کوتاه «راه‌آهن زیرزمینی» (۲۰۲۱) بیشتر شناخته می‌شد. فیلم «موفاسا: شیرشاه» که با تکنیک عکس واقع‌گرایانه (فتورئالیستی) ساخته شده دنباله‌ای است بر فیلم شیرشاه (جان فاورو، ۲۰۱۹) که با تکنیک مشابهی ساخته شده است.

داستان این انیمیشن از این قرار است؛ مدتی پس از اینکه سیمبا به پادشاه پراید لندن بدل می‌شود او و نالا صاحب

دختری به نام کایرا شده‌اند و در انتظار تولد

توله دیگری به سر می‌پرند. آنها به سرزمین

دیگری می‌روند تا نالا زایش راحت‌تری داشته

باشد و سیمبا هم مراقبت از کایرا را به تیمن

و پومبا محول می‌کند. رفیکی خیلی زود به

دیدار آنها می‌رود و تصمیم می‌گیرد داستان

پدر بزرگ موفاسا و برادر جوان‌تر خان‌اش

اسکار را با آنها در میان بگذارد. موفاسا

در خانواده کوچکی شامل پدر و مادرش

ماسیگو و آفیا چشم به جهان می‌گشاید. در

جریان یک سیل موفاسا می‌ترسد و از آفیا

جا می‌ماند. آب او را با خود می‌برد، ولی با

توله‌ای به نام تاکا آشنا می‌شود که می‌کوشد

او را از دست کروکودیل‌های جوان نجات

بدهد تا اینکه مادرش، ملکه اِشه، وارد عمل

می‌شود. اِشه با بی‌میلی موفاسا را به‌عنوان

پسرش می‌پذیرد اما پدر تاکا، شاه اوباسی،

تاکا را به دلیل پذیرش یک غریبه نکوهش

می‌کند. وقتی اوباسی تهدید به خوردن توله

جدید می‌کند موفاسا با تاکا مسابقه می‌دهد

تا سرعتش را نشان بدهد. موفاسا به خاطر

خستگی عقب می‌ماند اما تاکا اعلام شکست

می‌کند تا موفاسا در گروه‌شان پذیرفته شود.

از نظر روایت داستانی، «موفاسا» تفاوت

چندانی با «شیرشاه» ندارد؛ همان داستان

جدا افتادن از گله و کشف توانایی‌های

شخصی برای رسیدن به شاهی. حتی به

سبک تمام فیلم‌های فرنچایز، عاشقانه‌ای هم

در آن گذاشته‌اند که در مثلث عشقی موفاسا،

سارابی و تاکا اتفاق می‌افتد. «موفاسا:

شیرشاه» در واقع تنها یک داستان تکراری

روایت می‌کند. اما دیزنی برای آنکه فروش

خود را تضمین کرده باشد، از هر عنوان «شیرشاه» نکته برنده (همان عامل فروش آن در گیشه) را برداشته و به «موفاسا» اضافه کرده است.

جیمز ارل جونز که از سال ۱۹۹۴ تا ۲۰۱۹ صدایشه شخصیت موفاسا بود نهم سپتامبر ۲۰۲۴ درگذشت؛ و این فیلم به او تقدیم شده است. در واقع او برای صدایشگی نقش موفاسا در این فیلم هم دعوت شد اما به دلیل اعلام بازنشستگی‌اش در سال ۲۰۲۲ آن را نپذیرفت. با وجود این، جونز پیش از مرگش به دیزنی اجازه داد تا با استفاده از هوش مصنوعی صدایش را شبیه‌سازی کنند. با تمام این تفاسیر، در فیلم موفاسا: شیرشاه (۲۰۲۴) از فناوری هوش مصنوعی استفاده نشد و براساس آرشیو صداهاى باقی‌مانده از جونز در ابتدای فیلم بهره برده شد.









## ۴۰ کیلوگرم سنگ و خاک هرمرز

صداقت سالارحسینی، فرمانده یگان حفاظت شرق هرمرزگان از کشف بیش از ۴۰ کیلوگرم خاک و سنگ جزیره هرمرز توسط مأموران یگان در بندر شهید فاطمه نیک خبر داد. وی با اشاره به ممنوعیت برداشت خاک و سایر اجزای طبیعت جزیره، تاکید کرد که با همکاری محیط زیست، اقلام کشف شده جهت بازگشت به طبیعت تحویل شده است. از گردشگران خواسته شد تا از آسیب به طبیعت خودداری کنند.



## برخورد جدی

احسان مومنی، معاون عملیات پلیس از آغاز طرح «قرارگاه سرعت» خبر داد که در آن خودروهایی که بیش از ۳۰ کیلومتر از حد مجاز سرعت عبور کنند به طور مستقیم توقیف می‌شوند. در صورت تخلف بیش از ۵۰ کیلومتر، خودرو به مدت ۵ روز در پارکینگ توقیف شده و بعد از گذراندن مراحل قانونی، امکان ترخیص آن وجود دارد. این طرح با هدف کاهش سوانح جاده‌ای و ارتقای فرهنگ اجرا شده است.



## هلی کوپتر، اسنپ و پنگه نیست

بابک محمودی، رئیس هلال‌احمر گفت: برخی به اشتباه از بالگردهای هلال‌احمر برای درخواست‌های غیرضروری مانند بازگشت از کوه استفاده می‌کنند. این درخواست‌ها باعث ایجاد مزاحمت برای عملیات‌های نجات واقعی می‌شود. بالگردهای هلال‌احمر برای موارد بحرانی مانند انتقال بیماران و عملیات‌های نجات در ارتفاعات استفاده می‌شوند و هزینه هر پرواز بسیار بالاست. سوء استفاده از این خدمات باید همراه با مجازات شود.

## گزارش

### تهدید جدی زیرساخت‌ها

هم‌افزایی فرونشست و زلزله: فاجعه‌ای قریب‌الوقوع

بحران فرونشست زمین در تهران که سال‌ها در سایه بی‌توجهی قرار داشت، اکنون به عنوان یک بحران ملی به رسمیت شناخته شده و رئیس‌جمهور و برخی نهادهای تصمیم‌گیر در این زمینه وارد عمل شده‌اند. طبق گزارش سازمان نقشه‌برداری کشور، در برخی مناطق تهران میزان فرونشست به ۳۱ سانتی‌متر در سال رسیده و در نزدیکی چاه‌های عمیق حتی تا ۳۶ سانتی‌متر هم گزارش شده است. این ارقام تنها آمار نیستند بلکه نشان‌دهنده فشار فزاینده بر منابع آب زیرزمینی و تهدید جدی برای زیرساخت‌های شهری و امنیت شهروندان هستند.

علی بیت‌الهی، دبیر کارگروه ملی مخاطرات طبیعی کشور، هشدار داده که نرخ کنونی فرونشست در تهران «غیرعادی و بسیار بالا» است و می‌تواند آسیب‌های جدی به زیرساخت‌هایی چون خطوط مترو، تأسیسات شهری و شبکه فاضلاب وارد کند. همچنین دکتر مهدی زارع، استاد پژوهشگاه بین‌المللی زلزله‌شناسی، هشدار داده که فرونشست می‌تواند هم‌افزایی خطرناک با زلزله‌ها داشته باشد و در صورت فعال شدن گسل‌ها در مناطق فرونشسته، شدت خسارات به مراتب بیشتر خواهد بود.

در همین راستا، رئیس‌جمهور به طور مستقیم به مساله وارد شده و بر توقف فشارها برای حفر چاه‌های جدید در تهران تاکید کرده است. مهدی پیرهادی، رئیس کمیسیون سلامت، محیط زیست و خدمات شهری شورای شهر تهران از این اقدام رئیس‌جمهور استقبال و اعلام کرده در صورتی که جایگزین‌های فنی، اقتصادی و پایدار به سرعت معرفی و اجرایی شوند، می‌توان به نتیجه امیدوار بود.

بیت‌اللهی، عضو هیات علمی مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی، توضیح داده که تهران روی لایه‌ای از خاک‌های ریزدانه و متراکم قرار دارد که در اثر برداشت بی‌رویه آب‌های زیرزمینی دچار تراکم دائمی می‌شود. او هشدار داده که این پدیده نه تنها تهدیدی برای زیرساخت‌ها بلکه خطر جدی برای آینده سکونت در تهران است.

دکتر زارع نیز فرونشست را تهدیدی مضاعف برای زیرساخت‌های حیاتی شهر از جمله خطوط مترو، پل‌ها، لوله‌های گاز و شبکه‌های برق دانسته و بر هم‌افزایی آن با زلزله‌ها تاکید کرده است.

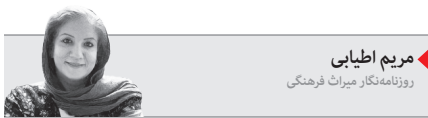
به گفته کارشناسان، انتقال آب از سدهای طالقان یا لاری می‌تواند، بخشی از مشکل تامین آب تهران را حل کند. پیرهادی اشاره کرده که سالانه حدود ۱۰ میلیارد مترمکعب آب باکیفیت از رودخانه‌های شمالی به دریای خزر می‌ریزد و بخش قابل توجهی از این آب می‌تواند با رعایت ملاحظات زیست‌محیطی برای تامین آب تهران مورد استفاده قرار گیرد. در سوی دیگر، فناوری‌های کاهنده مصرف آب در ساختمان‌ها و صنایع که در کشورهای دیگر حتی پرباران پیامدسازی شده در ایران به درستی مورد استفاده قرار نگرفته است. این ضعف در مدیریت تقاضا یکی از مشکلات اساسی در سیاست‌های آبی تهران است.

محمد آقامیری، رئیس کمیته عمران و زیرساخت شورای اسلامی شهر تهران نیز در این زمینه هشدار داده و گفته که فرونشست در تهران در برخی مناطق، باعث ایجاد گودال‌های خطرناک شده که تهدیدی برای افراد و خودروهاست. وی علت این فروریزش‌ها را حفاری‌های غیرکارشناسی و ترکیدگی لوله‌ها دانسته و افزود که این پدیده از دشت ورامین شروع شده و به تدریج به مرکز تهران نزدیک می‌شود.

او تاکید کرده که با ادامه این روند، پایه و شالوده ساختمان‌ها تحت تاثیر قرار خواهد گرفت و باعث نشست تدریجی سازه‌ها می‌شود. آقامیری علت اصلی فرونشست را برداشت بی‌رویه از منابع آب زیرزمینی و خشکسالی‌های پیایی می‌داند.

درحال حاضر، فرونشست در تهران دیگر تنها یک مشکل زیست‌محیطی یا فنی نیست بلکه به یک بحران اجتماعی، اقتصادی و حتی امنیتی تبدیل شده است. تهران درحال ایستادن روی زمینی است که به‌طور روزافزون درحال فرورفتن است.

اگرچه اقدام مسئولان عالی‌رتبه گامی مثبت در این مسیر به شمار می‌رود اما تا زمانی که برنامه‌ای منسجم با رویکرد علمی و جایگزینی راهکارهای پایدار برای مدیریت منابع آبی و مشارکت جدی شهروندان به اجرا درنیاید، تهران هر سال چند سانتی‌متر به یک بحران غیرقابل بازگشت نزدیک‌تر خواهد شد.



مریم اطمینانی

روزنامه‌نگار میراث فرهنگی

نخستین بار در دولت حسن روحانی و ریاست مسعود سلطانی‌فر در سال ۹۳ بود که پای مقوله جدیدی از حفاری‌ها به میراث فرهنگی باز شد، حفاری جنگ جهانی! در آن زمان باستان‌شناسان دغدغه‌مند اعلام کردند، دو نفر صاحب نفوذ از میراث فرهنگی خواسته‌اند تا در پای فلان اثر تاریخی در سمنان به جست‌وجوی ۲۰ تن طلا آلمان‌ها در جنگ جهانی بگردد؟ در آن زمان چند تاریخ‌شناس مطرح در گزارشی توضیح دادند که وجود این حجم طلا در ایران بسیار بعید است و اصلاً در آن زمان حمل‌ونقل چنین حجمی از طلا امکان‌پذیر نبوده و هرگز هم در اسناد سری منتشر شده جنگ‌های جهانی از چنین حجم ورود و خروج طلا به ایران صحبت نشده و این موضوع، خیال خامی بیش نیست. پس از نگارش گزارش مطبوعاتی درخصوص هجو بودن این ماجرا و رسانه‌ای شدن آن ظاهراً از اجرای چنین حفاری منصرف شدند.

### جست‌وجوی گنج خیالی در سمنان

اما این پایان ماجرا نبود و سوداگران این بار در دوره ریاست و وزارت «علی‌اصغر مونسان» سروکله‌شان پیدا شد و این بار در گوشه دیگری از سمنان به جست‌وجوی گنج خیالی پرداختند و البته و عاقلانه که هیچ نیافتند. ردپای حفاری‌های سفارشی و پرحاشیه را نه‌تنها درحال حاضر که در دوره پهلوی اول و دوم و قاجار هم می‌توان دنبال کرد. حفاری‌هایی که به سفارش صاحبان قدرت البته در شمایل رسمی و با مجوز وزارت میراث فرهنگی یا وزارت فرهنگ و هنر و معارف اسبق شکل می‌گرفته و می‌گیرد.

در دوره کنونی دست‌کم تا آنجایی که نگارنده از باستان‌شناسان و مدیران متخصص میراث فرهنگی قابل اعتماد شنیده، این حفاری‌های عموماً غیرعلمی با شکست و سودای نافرجام مواجه بوده است. اما مدل جدیدتر حفاری‌ها در سودای یافتن گنج‌های پهلوی اول و دوم است. این دسته از حفاری‌ها بیشتر در دولت مرحوم ابراهیم رئیسی و دوره وزارت سیدعزت‌الله ضرغامی باب شد.

در دوره ضرغامی قبح حفاری‌های پرحاشیه شکسته شد چراکه در طول ۴۰ سال گذشته، سالی یکی دو مورد از این

حفاری‌های نافرجام با هزار فشار و هزار ترفند، غیرعلمی و با نظارت پژوهشگاه میراث فرهنگی اجرا می‌شد.

اما در این دوره پس از شکست حفاران غیرمجاز در آزاد کردن این‌گونه حفاری‌ها توسط مجلس که با واکنش قاطع فعالان میراث فرهنگی، دغدغه‌مندان ایران، خبرنگاران، کارشناسان، باستان‌شناسان، تاریخ‌شناسان و اساتید دانشگاه مواجه شد، این جماعت از آیین‌بین، دغانویس، جن‌گیر، فالگیر، موکل‌یاب، نسخه‌خوان، نسخه‌یاب و دارنده و واردکننده فلز یاب خود را به همین جماعت خواب‌زده و سوداگر صاحب قدرت رساندند و آنها هم روانه وزارت میراث فرهنگی شدند.

### گنج‌های اسطوره‌ای و حفاری در چهار گوشه ایران

از گنج اسطوره‌ها تا کوروش و داریوش تا یزدگرد و شاه‌عباس، نادرشاه، دوره قاجار و ... چهار گوشه این مملکت به این بهانه کنده شد و تقریباً استانی از این مقوله بازنماند. نخستین این کاوش‌ها با تپه‌های شهری‌ار دو شب مانده به نوروز ۱۴۰۱ آغاز شد. به روایتی در این دوره بیش از ۵۰ سفارش حفاری، روانه وزارتخانه و دست‌کم بیش از ۲۰ حفاری پرحاشیه اسنادش نزد باستان‌شناسان یافت شد.

سودایی که هرگز به فرجام نرسید و تنها لایه‌های باستانی و برگ زرین تاریخ و فرهنگ ایران تخریب شد و خشم جماعت میراث فرهنگی و اصحاب رسانه تخصصی را برانگیخت و آنها دست به دامن دستگاه‌های نظارتی بیرون از وزارتخانه شدند. به‌رغم اخطارها و اعتراضات متعدد، آنها این مقوله را چون بازی کودکان‌های می‌پنداشتند. این گروه هرچند پس از چند بار کندن به این نتیجه رسیده بودند که این بازی سرایی بیش نیست اما دست رد به سینه هیچ‌کدام از سوداگران نزدند.

آنها همچنان در شاهین‌دژ اردبیل به دنبال گنج‌های جنگ جهانی گشتند و در «گرمدره» کرج در استان البرز و کاخ نیاوران به دنبال گنج پهلوی! در گردمره بیش از ۳۰ متر کندند تا به جای گنج به لایه باستانی رسیدند و کیست که نداند در هر جای ایران ۳۰ متر زمین را بکنید بالاخره به یک دوره تاریخی می‌رسید.

در کاخ نیاوران هم درحالی که چشنی برپا بود، در گوشه دیگر کاخ، یعنی «باغ کنیبه‌ها» حفاران دست به کار شدند. خبر به رسانه‌ها رسید و این بار تصمیم به علنی کردن موضوع گرفتند اما در کمال ناباوری نه‌تنها دست از کاوش نکشیدند بلکه آنقدر کندند تا به قنات رسیدند و حتی در مسیر قنات هم

ادامه دادند تا به یک هیچ بزرگ برسند.

این جماعت در توجیه کار خود، این استدلال را دارند که چون مسکوکات دوره پهلوی همچنان در دستان مردم ایران است بنابراین در صورت یافتن گنج دوره پهلوی یا جنگ جهانی، این اموال جزو اموال موزه‌ای و میراث فرهنگی محسوب نمی‌شود و به راحتی می‌توان آنها را مصادره و خرج امورات مملکت کرد.

### تخریب تپه‌های تاریخی در کلاردشت

حال در دولت پزشکیان و دوره وزارت سیدرضا صالحی‌امیری همچنان بحث‌هایی این‌چنینی ادامه دارد. پس از شکست وزارت میراث در جلوگیری از برگزاری حراج تهران و همراهی تلویحی برخی از میراثیان با آن، همین پیش از عید خبر رسید که در کلاردشت مازندران به بهانه گنج شاپوری و به دست آوردن شمش‌های طلا، بخشی از تپه بزرگ کلار (۶ هزار ساله) یا محدوده اطراف آن را تخریب کردند.

هنوز عرق چنین خبری و پیگیری صحت‌وسقم آن خشک نشده که این بار پای حفاری بهشت‌زها پیش آمد. وزیر میراث فرهنگی در صداوسیما مشغول لیخن زدن و دادن آمار گردشگران توریزی و شهردار تهران مشغول کندن بهشت‌زها برای یافتن گنج پهلوی! و البته که این بار میراث فرهنگی تصمیم گرفت از گوش کر و از چشم تابینا و از زبان لال باشد و در میانه این بازی جایی نداشته باشد. وقتی هم که اصرار رسانه‌ها را دیدند به یک «من نبودم دستم بود، تقصیر آستینم بود!» اکتفا کردند.

### چرا حفاری‌ها برای گنج‌های خیالی؟

و در پایان باید پرسید، چرا اینقدر برای یافتن گنج‌های خیالی زمین و محوطه‌های تاریخی را می‌کنید؟! دنبال گنج در زمین‌خواری‌ها بگردید، در هلدینگ‌های ال‌ویل، در ویلا سازی‌ها، کوه‌خواری‌ها، جنگل‌خواری‌ها، در خودسازی‌ها، فوتبال‌سازی‌ها، پتروشیمی‌ها، فولادسازی‌ها، چایی‌سازی‌ها، دکل‌های نفتی گمشده، در اختلال‌های نظام بانکی و پولی، در فروش زمین‌های هتل‌ها، در خالی شدن صندوق‌های الویل و ... بگردید. آنها را در جیب رانت‌خواران، اخلاک‌گران اقتصادی در جیب و موجودی حساب آقازاده‌ها و ژن خوب‌ها جست‌وجو کنید و خجالت بشکند از گذشتگان و آیندگان این سرزمین و شرم کنید از مردم نجیب ایران.



**سازندگی:** روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیرمسئول: سیدافضل موسوی • سردبیر: اکبر منتجبی

زیر نظر شورای سیاستگذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطریانفر، محمد قوچانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌راد، امیر اقلتقاعی

مدیر هنری: رضا دولت‌زاده • عکس: رضا معطریان • ویراستار: سعیده آری‌فر • حروف‌چین: مجتبی دیدگر • نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۶۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۳۷۱۶۸ • توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

## تقویم

### درباره هوارد باسکرویل

نخستین شهید آمریکایی در ایران



هوارد باسکرویل، نخستین شهید آمریکایی در خلال جنبش مشروطه ایران، معلمی بود که برای تدریس به ایران آمد و در صف مبارزان مشروطه علیه استبداد ایستاد. قهرمانی که بیش از یک قرن پیش در ایالت نبراسکا آمریکا به دنیا آمد و دهم آوریل سال ۱۹۰۹ درحالی که تنها ۲۴ سال داشت در راه شکستن محاصره تبریز در ایران کشته شد. باسکرویل، آموزگار تاریخ اروپا و انقلاب فرانسه در سال ۱۹۰۷ به ایران آمد و برای تدریس حقوق بین‌الملل به مدرسه آمریکایی موریل در تبریز رفت. او پیش از ورود به ایران با جریانات انقلاب مشروطه در ابتدای قرن بیستم آشنایی داشت و در ایران نیز به یکی از مدافعان مشروطه تبدیل شد. کسروی در تاریخ مشروطه درباره او می‌نویسد: «جوان پاکدل، چون به تبریز رسید و سراسر شهر را پر از جنب‌وجوش یافت، خونش به جوش آمد و به آزادی ایران دل‌بستگی پیدا کرد». باسکرویل در کنار تدریس، اسب‌سواری و تئیس و گاهی مشت‌زنی آموزش می‌داد؛ به همین دلیل گفته می‌شود، نخستین کسی بود که ورزش بوکس را به ایران آورد. ترور حسن شریف‌زاده، دوست نزدیک، همکار و مترجم او توسط نیروهای نظامی محاصره‌کننده تبریز، باسکرویل را بسیار متأثر کرد بنابراین قدم در راه مبارزه با استبداد گذاشت. زمانی که نیروهای محمدعلی‌شاه قاجار تبریز را محاصره کردند به ستارخان پیوست. او فوج نجات را تأسیس کرد تا به مردم روستاهای تبریز مواد خوراکی و دارو ارسال کند. هیچ‌گاه آرام نداشت و در تمام روزهایی که در مدرسه درس می‌داد به فکر مردم گرسنه شهر بود. می‌گفت: نمی‌توانم آرام بنشینم و از بنجره کلاس، مردم گرسنه شهر را تماشا کنم که برای حقوق خود می‌جنگند. عملیات فوت نجات که آغاز شد، فرماندهی ۳۰۰ نفر از مشروطه‌خواهان در این قیام را بر عهده داشت چون در آمریکا دوره نظامی‌گری هم دیده بود. مهدی علوی‌زاده، یکی از اعضای «فوج نجات» می‌گوید: «شی که قرار بود بامداد روز بعد حمله به قوای «صمدخان» شروع شود، باسکرویل به آمادگی پرداخته و دستور داد پیروان وی (اعضای فوج نجات) پیش از نیمه‌شب در شهربانی (ساختمان شهربانی تبریز که از پایگاه‌های میلیون بود) گرد هم آیند. (اما) از کسانی که پیمان فداکاری داشتند فقط ۱۱ نفر حاضر شدند و دیگران با خودشان ترسیده، حاضر نشدند، یا مادران و پدران‌شان که از آهنگ باسکرویل آگاهی می‌داشتند، جلوی پسران خود را گرفتند؛ ولی از دیگران، دسته انبوهی فراهم شدند و نزدیک نیمه‌شب از آنجا روانه قردآغاچ شدم و این محله پر از مجاهد و توپچی می‌بود. ما را به مسجدی راه نمودند که چند ساعتی در آنجا استراحت کنیم. باسکرویل دمی آرام نمی‌نشست و درون مسجد نیز ما را به مشق و ورزش و می‌داشت». عملیات که شروع شد، باسکرویل پیش از همه نیروهایش حرکت می‌کرد و در همان ساعات ابتدایی نبرد آمریکاییی برگزار شد و پیکر او در میان ازدحام مردم به گورستان ارامنه تبریز حرکت داده شد. شعر معروف «سبض گل سرخ یک گل نصرائی / ما را ز سر بریده می‌ترسانی» در مدح این شهید مشروطه سروده شد و حالا بر روی لوح یادبودی که در تبریز برای باسکرویل نصب شده هم این شعر از عارف قزوینی نوشته شده است: «ای محترم مدافع حریت عباد /وی قائد شجاع و هودار عدل و داد / کردی پی سعادت ایران فدای جان /پاینده باد نام تو، روح‌ت همیشه شاد».



قرار داد تا بتواند به اختیار خود «مصلح» یا «مفسد فی‌الارض» باشد و با آزادی خود راهش را برگزیند». به نوشته هرابر دکمچیان در کتاب جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب: بر مبنای نظر شهید صدر، امت اسلامی زمانی که خود را از سلطه طاغوت رها کرد، خلافت الهی در زمین به ایشان منتقل می‌شود. امت خلافت خود را براساس دو قاعده قرآنی اعمال می‌کند: اول) اصل شورا و مشورت، دوم) تصویب مرجع تقلید به نظر می‌رسد در این نظریه، ولایت فقیه نقش راهنمایی دارد تا سرپرستی و حاکمیت و نقش اساسی را مردم از موضع خلیفه‌گری از جانب خداوند ایفا می‌نماید.

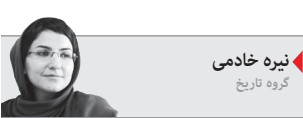
### ایستادگی در برابر بعث

در عراق تنها شهید صدر با امام خمینی ارتباط داشت که در ایران هم ارتباطات وسیعی با چهره‌های شاخص ملی ازجمله مهدی بازرگان، بنی‌صدر و صادق طباطبایی برقرار کرده بود. همان‌طور که اعتراضات در ایران ادامه داشت، او نیز کوشید در عراق در برابر طرح‌های حزب بعث که با کودتا بر سر کار آمد، ایستادگی کند و در همین راستا عضویت در حزب بعث را تحریم کرد. طعم زندان و شکنجه را هم چشید اما هیچ کدام حتی اعدام پنج تن از شاگردان او نیز باعث توقفش نشد و حتی در اعتراض به رژیم بعث، تظاهرات ده‌ها هزار نفری به راه انداخت. در نهایت اما ۱۶ فروردین سال ۱۳۵۹ حزب بعث به منزل آیت‌الله صدر و خواهرش حمله کرد و سه روز پس از دستگیری هر دو را به شهادت رساند. نعمانی از شاگردان آیت‌الله صدر درباره نحوه شهادت او می‌گوید: آنچه از شهادت عینی دریافتیم، این است که جنایتکار خیره سر صدام تک‌ریتی، خود سید شهید و خواهر گرمای‌اش را پس از شکنجه‌های فراوان و با بدترین شیوه به قتل رساند. سید شهید را با بندهای آهنی بسته بودند و صدام جنایت پیشه بر سر و صورت وی می‌کوبید و می‌گفته است «تو مزدور ایرانی‌ها هستی و می‌خواهی برای آنان در عراق انقلاب اسلامی برپا کنی» شهید بنت‌الهدی را برادر عزیز در یک اتاق بوده‌اند. شهید بنت‌الهدی در گوشه اتاق به خاطر شکنجه‌های زیاد و بریدن پستان، بی‌هوش بوده و هر آنچه در پیراموش می‌گذشته، متوجه نبوده و پس از این مراحل صدام جنایت پیشه، با تیر به زندگی آن دو عزیز خاتمه می‌دهد. پیکر آیت‌الله صدر و خواهر او توسط نیروهای امنیتی رژیم بعث در قبرستان وادی‌السلام نجف دفن شد. اموال او مصادره شد، خانه‌اش را ویران کردند و در ادامه نیز خانواده صدر را به کاظمین منتقل کردند.

خلاصه کرده است: علمی، اجتماعی و بعد سیاسی. او در زمینه فقه و اقتصاد و فلسفه تالیفات ارزنده‌ای داشت، یکی از مراجع بزرگ اسلام در نجف اشرف و مردم شیعه بود و به طور مختصر ایشان آغازگر انقلاب اسلامی در عراق بود. از همین جهت است که برخی او را جزو «معلم رابع»، «شهید رابع»، «خمینی عراق» نیز نامیده‌اند. جامعه عراق که در نیمه‌های قرن بیستم تحت تأثیر ایدئولوژی غیرمذهبی و اندیشه‌های کمونیستی بود در مقابل آن قد علم کرد و مقالات زیادی در نقد آن نوشت. مهم‌ترین حرکت سیاسی آیت‌الله صدر در عراق در این دوره، کوشش برای تأسیس «حزب الدعوه الاسلامیه» بود که برای تشکیل حکومت جهانی اسلام و آماده‌سازی شرایط جامعه در این راستا تلاش می‌کرد، اگرچه انتقادات و برخی تهمت باعث شد که ۵ سال بعد از آن کناره‌گیری کند. او به توصیه آیت‌الله سیدمحسن حکیم کتابی علمی، تحقیقی و استدلالی به سبک جدید در رد اندیشه‌های الحادی، کمونیسم و سوسیالیسم همچنین ارائه درست اندیشه‌های اصیل اسلامی تألیف کرد. معتقد بود برای تحول در جامعه اسلامی ابتدا باید در حوزه‌های علمیه تحول ایجاد شود و طلاب با مسائل علمی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی نو در دنیا آشنا شوند.

### نظراتی در باب انسان و حکومت

آیت‌الله صدر تشکیل حکومت اسلامی را تنها در سایه یک مرجعیت قوی و واحد امکان‌پذیر می‌دانست بنابراین پس از درگذشت آیت‌الله سیدمحسن حکیم، مرجع برتر آن زمان، از پذیرش آن امتناع کرد. دکتر سیدصادق طباطبایی در جلد اول خاطرات خود می‌نویسد: «من اولین بار فکر تشکیل حکومت اسلامی را در سال ۱۳۴۳ از ایشان شنیده بودم. ایشان حتی معتقد بود، اگر امکان‌پذیر باشد حتی باید از جزایری که معمولاً در بعضی نقاط دنیا به فروش می‌رسند با فراهم کردن امکانات مالی سرزمینی را خرید و یک اجتماعی ولو کوچک و در محدود چند هزار نفری برای تشکیل امت نمونه اسلامی شکل داد». با وجود این مردم در نظریات شهید صدر اهمیت بسیاری دارد و معتقد است که براساس مفهوم «خلافت انسان»، انسان برای تدبیر امور خود به ایجاد دولت و در نتیجه تشکیل حکومت می‌پردازد: «بر این اساس نظریه حکومت مردم بر مردم (حکم الناس لانفسهم) شکل می‌گیرد و ایجاد حکومت مردم بر مردم به عنوان جانشینی خدا در زمین مشروع و قانونی خواهد بود». او در کتاب طرح گسترده اقتصاد اسلامی آورده است: «خداوند موجود آزاد و مختاری را جانشین خود



تیره خادمی  
گروه تاریخ

آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر، پسرعموی امام موسی صدر، نظریه‌پرداز دینی از ناموران تأثیرگذار بر حیات فکری، اعتقادی و سیاسی عراق و مذهب تشیع، فرزند زمانه خویش بود و به آزادی انسان اعتقاد داشت. او با دقت نظر به مساله «زمان» در استنباط مسائل فقهی به عنوان عالمی که هم فهم زمان و هم درد زمانه را دارد به جهان شیعه شناسانده شد. مردم‌سالاری از عناصر قوی در اندیشه سیاسی او بود و برداشت دموکراتیک از دین داشت که آن را در قالب نظریه «خلافت مردم و نظارت مرجعیت» ارائه کرده است. او در عراق با نظریه دولت انتخابی اسلامی سپس نظریه نهایی خلافت مردم و نظارت مرجعیت در تداوم اندیشه سیاسی شیعه با محوریت حقوق مردم و رعایت ضوابط دینی، نقش موثری داشت اما در نهایت ۱۹ فروردین سال ۱۳۵۹ همراه خواهرش زیر شکنجه‌های رژیم بعثی عراق به شهادت رسید. سازندگی به همین مناسبت به زندگی و نظریات این عالم بزرگ شیعی پرداخته است.

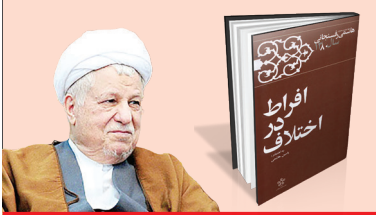
### در مسیر آگاهی

علامه شهید ابوجعفر سیدمحمدباقر صدر در دهمین روز فروردین سال ۱۳۰۴ در کاظمین عراق به دنیا آمد. حضور او در یک خانواده اصیل که شخصیت‌های بزرگی ازدل آن بیرون آمده بودند، مسیر آگاهی را برای او هموار کرد. پدرش آیت‌الله سیدحیدر فرزند سیداسماعیل، از دانشمندان بزرگ عراق و مادرش دختر عبدالحسین آلی‌اسین از خاندان علما بود اما در ۳ سالگی پدر را از دست داد. ۵ ساله بود که خواندن و نوشتن را آموخت و وارد مدارس جدید شد و در ادامه راه خاندانش را در زنده کردن علوم و معارف اسلامی ادامه داد. منطق و اصول فقه را آموخت و در ۱۲ سالگی برای ادامه تحصیل به نجف اشرف رفت. خیلی زود، یعنی در ۱۷ سالگی از سوی استاد خود شیخ عباس الرمیثی اجازه اجتهاد دریافت کرد. دکتر محمدحسن رجبی در این باره می‌نویسد: «آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر در ۲۰ سالگی به تدریس کتاب کفایه‌الاصول، آخوند خراسانی پرداخت، در ۲۵ سالگی به تدریس دوره خارج اصول و در ۲۸ سالگی دوره خارج فقه را براساس کتاب عروه‌الوقفی آغاز کرد و نوآوری‌هایی را در هر دو حوزه فقه و اصول ارائه داد».

### در رد کمونیسم

آیت‌الله سیدمحمدباقرحکیم، جایگاه شخصیتی آیت‌الله صدر را در سه بعد

## کارنامه: خاطرات هاشمی ۱۳۸۰



### افراط در اختلاف ۲۳۷

**ادامه شنبه ۱۵ دی**  
**گزارش پرونده شهرام جزایری**  
آقای تقی قرائتی، [رئیس مرکز رسیدگی به امور مساجد] آمد. اشکالات موجود در راه اداره مساجد و عدم کارایی سازمان امور مساجد در تهران و عدم برنامه‌ریزی [سازمان] اوقاف و سازمان تبلیغات اسلامی و نیز مشکل مالی برای تکمیل مساجد درحال ساخت و نیز ساخت مسجد در جاهای مورد نیاز را گفت و خواهان کمک برای پیدا شدن راه‌حل مشکلات مساجد و نیز مشکلات فکری در اداره حوزه‌های علمیه شد.  
عصر اعضای [هیأت مدیره] انجمن صنفی روزنامه‌نگاران مسلمان، [آقایان علیرضا ملکیان، عشری، رضا مقدسی، ناصر بهرامی‌راد، پورعلی، مرتضی پروازی‌مقدم، حسن اختری، سیدجلال فیاضی، محمدمهدی مظاهری و خانم مریم پوریامین] آمدند. مشکلات مالی و سیاسی روزنامه‌های جناح راست و عدم وجود استراتژی و راهنما برای موضع‌گیری‌ها را گفتند و خواستند، فکری و اقدامی بکنم. من هم از شیوه کار و عملکرد شعاری و تضعیف نیروهای اصیل انقلاب و مدیریت‌ها و زیر سوال بردن سوابق افتخارآمیز انقلاب انتقاد کردم. گفتند، مشکلات‌شان نداشتن اتاق فکر و راهنماست. خواستار کمک برای رفع این نقیصه شدند و گفتند، افراد دیگری را نمی‌شناسند که بتوانند، مشکلات نیروهای وفادار به انقلاب را رفع کنند.  
شب با سران قوا میهمان آقای [سیدمحمد] خاتمی، [رئیس‌جمهور] بودیم. آقای [مهدی] کزوبی، [رئیس مجلس] وضع فعلی مجلس را در شرایط فعلی، غیرقابل تحمل و اداره خواند و گفت، اگر جلوی بازداشت نمایندگان گرفته نشود، نمی‌تواند مجلس را اداره نماید. آقای [سیدمحمود] هاشمی‌شاهرودی، [رئیس قوه قضائیه] هم گفت، مصونیت قضایی نمایندگان را قبول ندارد و شورای نگهبان هم قبول ندارد و تنها از راه تفاهم نمایندگان و قوه قضاییه و ترک تئدروی‌ها می‌شود جو را آرام کرد. قرار شد، کمیته مشترک به کارش ادامه دهد و محکومان از طریق دیوان عالی‌کشور اقدام کنند. از اظهارات آقای [سیدعلی‌اکبر] محتشمی علیه آقای هاشمی‌شاهرودی در جلسه غیرعلنی مجلس انتقاد شد.  
آقایان خاتمی و شاهرودی، گزارشی از پرونده [شهرام] جزایری دادند که بیش از آنچه در جراید آمده، نبود. در مورد ادعای اسر‌ائیل در خصوص وجود سلاح‌های ایرانی در کشتی برای فلسطینی‌ها، آقای خاتمی گفتند، تمام مسئولان ذی‌ربط منکر آن هستند. از شانتاژ روزنامه‌ها در مورد آقازاده‌ها انتقاد شد.  
اعلام شد عبدالسلام ضعیف، سفیر طالبان در پاکستان را آمریکایی‌ها اسیر کرده‌اند. بعضی می‌گویند، پاکستان تحویل آمریکاداده و بعضی می‌گویند، پاکستان او را به سمت افغانستان اخراج کرده و در آنجا دستگیر شده است؛ در هر صورت نشانی از تسلیم شدن بی‌قید و شرط پاکستان در برابر آمریکاست. اسرائیل، خبرنگاران را برای مشاهده سلاح‌های موجود در کشتی دعوت کرده و می‌گوید، یک عضو حزب‌الله لبنان و چند مأمور [دولت] خودگردان فلسطینی هم درکشتی‌اند.